



پرواز بدون سردار
تیم ملی و پرچالش ترین جام جهانی تاریخ



زیر هجوم سلطنت طلبها
حمله به گلشيفته و بهزاد فراهانی



پول بی برکت
تورم چگونه قدرت خرید ما را کم می کند؟



ارسال متن جدید ایران به پاکستان

آیا ایران و آمریکا می توانند دیدگاه های خود را
برای رسیدن به توافق به یکدیگر نزدیک کنند؟

یادداشت روز

تربون های بی ضابطه

تصمیم های کلان،
جای اظهار نظر های فردی نیست



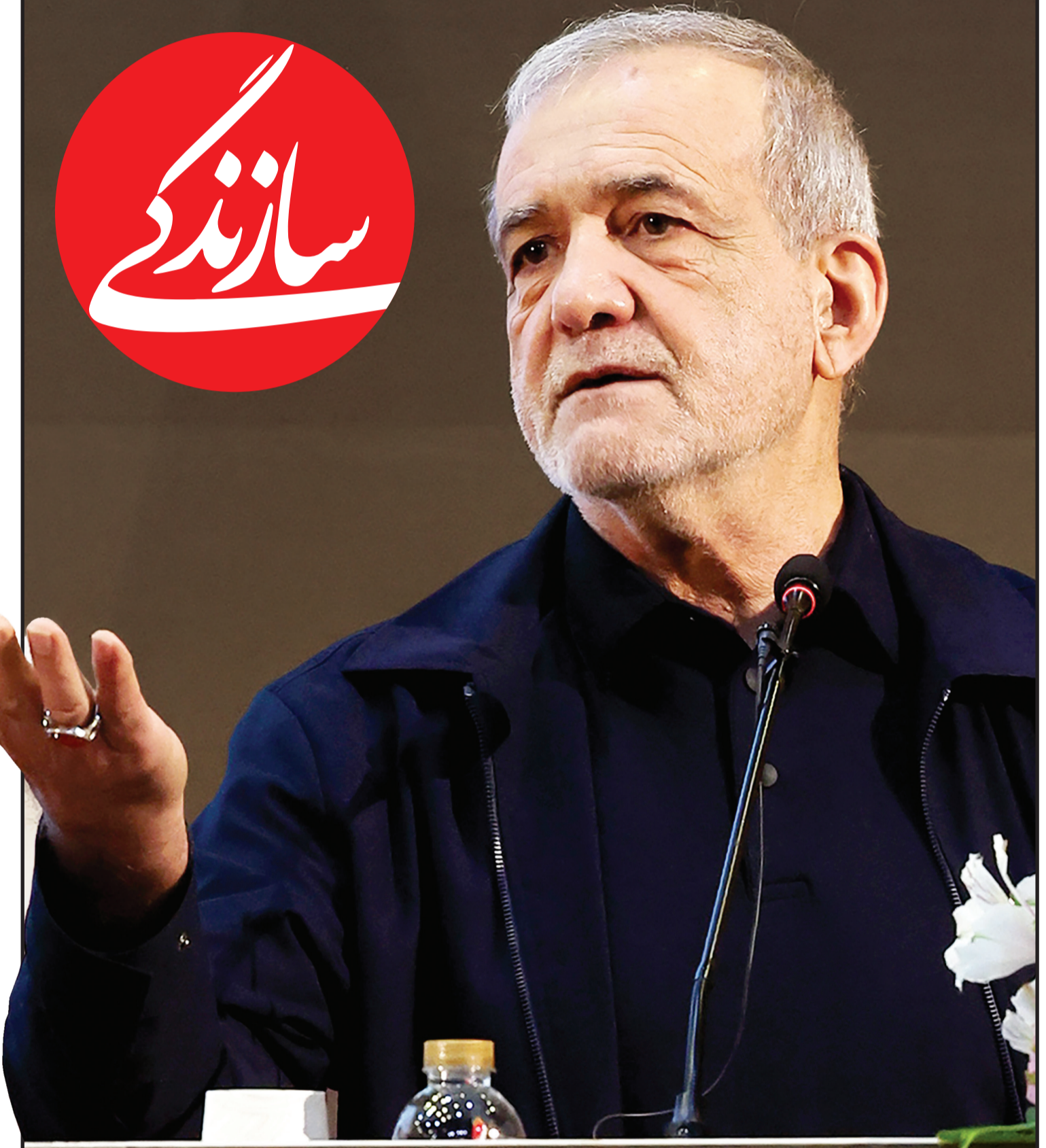
سیدمصطفی هاشمی طباطبائی

عضو شورای عالی مشورتی
حزب کارگران سازندگی ایران

در هر نظام سیاسی، یک اصل ساده اما حیاتی وجود دارد و آن اینکه هر فرد باید در چارچوب مسئولیت و اختیارات خود حرف بزند و عمل کند و اگر این مرزها رعایت نشود، نتیجه ای جز بی نظمی در تصمیم گیری و سردرگمی در جامعه نخواهد داشت. با این حال، متأسفانه در فضای سیاسی و رسانه ای کشور، گاهی این اصل بدیهی نادیده گرفته می شود و برخی افراد، در حالی که خود را قانونگذار معرفی می کنند از حدود و اختیاراتشان فراتر می روند و حتی گاه خود را در جایگاه رهبری قرار می دهند. برای مثال به یاد دارم پیش از تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران یکی از نمایندگان مجلس اظهار کرده بود که باید به آمریکا حمله شود؛ در حالی که تصمیم گیری درباره جنگ و صلح در اختیار مقام رهبری است و این گونه تصمیمات باید در سطح کلان و توسط مرجع اصلی آن اتخاذ شود. امروز نیز مشاهده می شود که برخی افراد فراتر از سیاست های رسمی کشور، اظهار نظرهایی مطرح می کنند که در صلاحیت و حوزه اختیارات رهبری است. این مسأله می تواند، موجب چندصدایی و سردرگمی در جامعه شود و مردم را نسبت به مسیر و تصمیمات کشور دچار ابهام کند. در عین حال، این روند معمولاً از طریق رسانه هایی مانند صداوسیما نیز هدایت و رهبری می شود. البته انکار نمی کنم که این رسانه در روزهای اخیر اقدامات مثبتی نیز داشته است اما تکرار دیدگاه های محدود و گاه غیرمسئولانه برخی افراد خاص، می تواند آنان را به اظهار نظر های بدون مسئولیت پذیری، بدون توجه به سلسله مراتب تصمیم گیری و بدون رعایت حدود قانونی سوق دهد؛ موضوعی که در نهایت ممکن است به منافع کشور و جریان مقاومت آسیب بزند. زیرا در نظام تصمیم گیری کشور، سیاست گذاری براساس بررسی های دقیق و اطلاعات جامع توسط مراجع مشخص انجام می شود؛ مراجعی که بر پایه داده ها و جمع بندی کارشناسی سخن می گویند نه براساس برداشت های فردی و مقطعی. به نظر می رسد این افراد روش درستی را در پیش نگرفته اند. هرچند چنین اظهار نظر هایی در ظاهر در چارچوب وظایف نمایندگان تعریف می شود اما ورود به سیاست های کلان و دخالت در تصمیماتی که در سطوح بالاتر اتخاذ می شود، خارج از حدود اختیارات فردی نمایندگان است. مجلس به عنوان یک نهاد، وظیفه اصلی اش قانونگذاری و سپس نظارت است اما این نظارت نیز باید در قالبی قانونی، جمعی و ساختارمند انجام شود نه به صورت فردی و سلیقه ای. هیچ نماینده ای به تنهایی نمی تواند، مدعی اعمال نظارت یا پیگیری تصمیمی در سطح کلان باشد؛ نظارت باید از مسیر سازوکارهای رسمی مجلس انجام شود. در واقع تصمیم گیری در مجلس یک فرآیند جمعی است و باید با مشارکت همه نمایندگان و به صورت گروهی پیش برود نه به شکل فردی و پراکنده. اگر قرار باشد هر فرد به صورت مستقل وارد این حوزه شود، نتیجه آن نوعی دیکتاتوری پراکنده خواهد بود؛ دیکتاتوری ای که به جای یک مرکز تصمیم گیری با تعدد مراکز غیر پاسخگو و صداهای متکثر و سلیقه ای روبرو است. در مجموع تصمیم گیری درباره مسائل کلان به طور کامل خارج از وظایف و اختیارات نمایندگان مجلس است. آنان باید در چارچوب قانون به قانونگذاری بپردازند و از مسیرهای صحیح و قانونی برای پیشبرد امور استفاده کنند نه از طریق شعارها یا فضا سازی هایی که گاه از سوی برخی افراد مطرح می شود. در نهایت، در کشوری که بر اصول دینی تأکید دارد و به مشورت در امور («وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ») توصیه شده است، دور از انتظار است کسانی که چنین ارزش هایی را مطرح می کنند، خود برخلاف همان اصول عمل کنند.

رئیس جمهور در همایش «راویان ایران» تاکید کرد: گفت و گو نکنیم، چه کنیم؟

برخی شعار می دهند گفت و گو نکنیم. اگر گفت و گو نکنیم، چه کار باید کرد؟ تا آخر دعوا کنیم؟ ما با عزت گفت و گو می کنیم • اگر می خواهیم مردم به حاکمیت اعتماد کنند، باید با آنها صادقانه سخن بگوئیم • به عنوان یک مسئول در برابر هیچ قدرتی سر خم نخواهم کرد • باید با تدبیر، عقلانیت و همبستگی مشکلات را حل کنیم • با بمب و موشک نمی توانند کشور را تسخیر کنند، اما با دعوا و تفرقه می توانند



عاطفه شمس

گروه سیاسی



رئیس جمهور در همایش «راویان ایران» با دفاع صریح از ضرورت گفت و گو، مقابله با ادبیات آمرانه و هشدار نسبت به خطر تفرقه داخلی، تصویری از شرایط کشور در

وضعیت پسا جنگ ترسیم کرد که در آن، نه انکار مشکلات جایی دارد و نه شعارهای بی پشتوانه. رئیس جمهور با تأکید بر اینکه «این شعار که می گویند، گفت و گو نمی کنیم معنایی ندارد» از ضرورت وحدت ملی، مشارکت مردم در تصمیم گیری، اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از روایت های غیر واقعی سخن گفت و تأکید کرد که تنها

راه عبور از فشارهای خارجی، انسجام داخلی و گفت و گوی عزت مندانانه است. پزشکبان که به صورت سرزده در گردهمایی «راویان ایران» به مناسبت روز روابط عمومی و ارتباطات حاضر شده بود، تلاش کرد تصویری روشن از مختصات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور در شرایط کنونی ارائه دهد؛ تصویری که بر سه محور

اصولی مقاومت در برابر فشار خارجی، پرهیز از شکاف داخلی و ضرورت گفت و گو با حفظ عزت ملی استوار بود. او سخنانش را با تأکید بر مسئولیت خدمت به مردم آغاز کرد و گفت: «وظیفه داریم در خدمت مردم و در صحنه باشیم و تا جایی که نفس می کشیم، خدمتگزار ملت عزیزمان باشیم».

ادامه در صفحه ۲

سیاست

دورآویت از یک تذکر

ماجرای نقل قول منتسب به رهبری درباره دولت و مذاکرات چه بود؟

گروه سیاسی: در روزهای اخیر، بازتاب اظهارات یک مداح شناخته‌شده در تجمعی شبانه و واکنش‌ها به آن، بحث نحوه مواجهه با دولت و مسئولان تیم مذاکره‌کننده را در فضای رسانه‌ای و سیاسی برجسته کرده؛ موضوعی که بیش از محتوای نقل‌شده به دلیل نحوه استفاده از نقل قول‌ها و نسبت دادن برخی توصیه‌ها به رهبری در فضای رسانه‌ای و تجمعات خیابانی مورد توجه قرار گرفته است. ماجرا از یک نقل قول مربوط به جلسه‌ای غیرعلنی آغاز شد، در یک تجمع عمومی بازتاب یافت سپس با توضیحات رسمی یک مقام دانشگاهی نزدیک به دفتر رهبری ابعاد دقیق‌تری پیدا کرد.

محمدرضا طاهری در یک تجمع شبانه در میدان انقلاب ادعا کرد که در جلسه‌ای میان برخی مسئولان فرهنگی و دینی (از جمله حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری و حجت‌الاسلام قمی) این پیام منتقل شده که رهبری تأکید داشته‌اند در فضای عمومی نباید سخنانی مطرح شود که به تضعیف دولت یا تیم مذاکره‌کننده منجر شود. او در ادامه نقل کرد که مضمون این توصیه چنین بوده است: «به مردم بگویید حرفی که در جهت تضعیف دولت و تیم مذاکره‌کننده باشد را به زبان نیاورند». این نقل قول که به رهبری و تیم مذاکره‌کننده اشاره داشت به‌سرعت در فضای رسانه‌ای بازتاب یافت.

اما پس از این بازتاب، حجت‌الاسلام مصطفی رستمی (نماینده رهبر انقلاب در دانشگاه‌ها) وارد ماجرا شد و با بیان اینکه «تضعیف یا توهین به دولت و سایر مسئولان، به‌ویژه در زمان جنگ، خط قرمز امام شهید و امام حاضر (رهبر انقلاب) محسوب می‌شود؛ اما این امر هیچ منافاتی با نقد دلسوزانه ندارد» درباره اصل جلسه و جزئیات آن توضیحاتی ارائه داد. نخست اینکه جلسه مورد اشاره یک نشست هفتگی و معمولی میان برخی مسئولان نهادهای فرهنگی و دینی کشور بوده و نه جلسه‌ای با ماهیت تصمیم‌گیری سیاسی مستقیم درباره مذاکره یا سیاست خارجی. این توضیح برای تفکیک «روایت عمومی» از «ماهیت اداری جلسه» اهمیت دارد چراکه بخشی از برداشت‌ها بر این تصور شکل گرفته بود که با یک دستور مستقیم سیاسی مواجه هستیم.

دوم اینکه او تأکید کرد در چنین جلساتی، در صورت نیاز، دیدگاه‌ها و ملاحظات کلی منتقل می‌شود اما آنچه مطرح شده به شکل «نقل مستقیم دستور به مردم» دقیق و منطبق با واقعیت جلسه نیست. به بیان دیگر، تفاوت میان یک توصیه کلی برای مدیریت فضای اجتماعی و یک دستور صریح سیاسی در بازتاب رسانه‌ای تا حد زیادی کمرنگ شده یا از بین رفته است.

مهم‌ترین بخش توضیح رستمی این بود که اصل توصیه، ناظر به این است که تضعیف یا توهین به دولت و مسئولان اجرایی، به‌ویژه در شرایط حساس کشور و در شرایط جنگی، نباید در فضای عمومی انجام شود. او هم‌زمان تأکید کرد که این موضوع به‌هیچ‌وجه به‌معنای نفی نقد نیست و تصریح کرد: «تضعیف یا توهین به دولت و سایر مسئولان خط قرمز است اما این موضوع هیچ منافاتی با نقد دلسوزانه ندارد».

از آنجا که موضوع مذاکره در ایران به یک شاخص هویتی و سیاسی برای جریان‌های مختلف تبدیل شده است در چنین فضایی طبیعی است که حتی یک نقل قول از جلسات غیرعلنی نیز به‌سرعت بازتاب پیدا کند. با این حال محور اصلی این ماجرا در مجموع بیش از هر چیز بر تأکید بر پرهیز از تضعیف یا توهین به دولت و مسئولان اجرایی در فضای عمومی متمرکز است؛ نکته‌ای که در توضیحات رسمی نیز برجسته شد و به‌عنوان یک اصل در شرایط حساس کشور مورد اشاره قرار گرفت. در عین حال تأکید شده که این رویکرد به‌هیچ‌وجه به‌معنای نفی نقد نیست و نقد دلسوزانه همچنان در چارچوبی طبیعی و قابل قبول تعریف می‌شود. در نهایت نیز آنچه اهمیت دارد تفکیک میان نقد سازنده و رفتارهای تخریبی است؛ تفکیکی که از یک‌سو مانع تضعیف نهادهای اجرایی می‌شود و از سوی دیگر مسیر نقد و گفت‌وگو را باز نگه می‌دارد.

سه شرط ایران برای توافق

جزئیات جلسه مهم کمیسیون امنیت ملی با معاون عراقچی

گزارشی از روند مذاکرات فعلی نیز ارائه شد و توضیحاتی درباره پیشنهادهایی که از طریق واسطه‌گری پاکستان میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا رد و بدل شده در اختیار اعضای کمیسیون قرار گرفت. این بخش از گزارش به بررسی مسیرهای غیرمستقیم ارتباطی و تبادل پیام میان دو طرف اختصاص داشت.

رضایی ادامه داد: معاون وزارت امور خارجه همچنین اعلام کرده



که ایران پیشنهادهای خود را برای طرف آمریکایی ارسال کرده اما تاکنون پاسخی رسمی از سوی واشنگتن دریافت نشده است. به گفته او در بخش دیگری از جلسه به تحولات منطقه‌ای و جنگ ۴۰ روزه اخیر نیز اشاره شد. غریب‌آبادی در این زمینه تأکید کرده که آمریکا در جریان این درگیری خواستار آتش‌سوزی و مذاکره بوده درحالی که جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه درخواست مذاکره نداد و در نهایت این جنگ با شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی و پیروزی ایران

گروه سیاسی: در جلسه روز گذشته کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، آخرین تحولات دیپلماتیک و روند مذاکرات غیرمستقیم ایران با محوریت گزارش کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه بررسی شد. در این نشست همچنین گزارشی از سفرهای اخیر وزیر امور خارجه و رایزنی‌های منطقه‌ای با کشورهای مختلف ارائه شد و بخشی از جلسه به تشریح شروط ایران برای هرگونه توافق احتمالی اختصاص یافت. ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون، با اشاره به جزئیات این جلسه گفت: غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، در این نشست بر مجموعه‌ای از شروط ایران برای هرگونه توافق احتمالی تأکید کرده است. براساس این توضیحات، در صورت دستیابی به توافق باید جنگ در همه جبهه‌ها خاتمه یابد، نیروهای آمریکا از منطقه بیرون‌آوری ایران خارج شوند، محاصره دریایی رفع شود و تحریم‌ها به‌طور کامل لغو شده و دارایی‌های بلوکه‌شده ایران آزاد شود. این موارد به‌عنوان چارچوب‌های اصلی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است. غریب‌آبادی همچنین ضمن ارائه گزارشی از حضور وزیر امور خارجه در اجلاس بریکس به سفرهای اخیر سعید عباس عراقچی به مسکو و پکن و دیدارهای انجام‌شده با مقامات روسیه و چین اشاره کرد. به گفته او، این سفرها در راستای تقویت هماهنگی‌های سیاسی و اقتصادی ایران با قدرت‌های شرقی انجام شده است.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی تصریح کرد: در ادامه جلسه

ادامه تیتربیک

گفت‌وگو نکنیم، چه کنیم؟

پزشکیان سپس با اشاره به آسیب‌های وارده به کشور و شهادت جمعی از هموطنان در جنگ تحمیلی سوم از سکوت نهادهای مدعی حقوق بشر انتقاد کرد و گفت: «اینکه انسان شهید بشود یا اقدامی علیه او انجام دهند، فیض بزرگی است. ناجوانمرده رهبر ما را شهید کردند و بی‌هیچ منطقی علمی و حقوق بشری فرماندهان و وزرای ما، دانشمندان و محصلان ما را معصوم و بی‌گناه زدند و دنیایی که ادعای حقوق بشر و قوانینی می‌کند، که در رسانه‌ها می‌شنویم، و عده‌ای ایرانی که نمی‌توان به آنها گفت «ایرانی» بلکه «بی‌هویتی‌ها» نیز نظاره‌گر بودند». او در ادامه تأکید کرد که هرچند در داخل کشور اختلاف‌نظرها و مشکلاتی وجود دارد و این مسأله قابل انکار نیست اما هیچ وجدان‌پنداری نمی‌پذیرد که قدرتی خارجی به خود اجازه دهد، کودکان بی‌گناه را هدف قرار دهد و بسا بمب‌تکه‌تکه کند. او گفت هیچ انسان آزاده‌ای نمی‌تواند چنین رفتاری را علیه انسان‌ها بپذیرد. پزشکیان در ادامه با اشاره به وضعیت غزه و فلسطین این رفتار را بخشی از یک الگوی جهانی دانست و تأکید کرد که قدرت‌های بزرگ با توجیه رسانه‌ای، خشونت و نسل‌کشی را دفاع از خود قلمداد می‌کنند و این نشان می‌دهد که در نظم جهانی موجود، قدرت همچنان تعیین‌کننده اصلی است.

انسجام داخلی در برابر پروژه تفرقه و جنگ روانی

رئیس‌جمهور در بخش مهمی از سخنان خود به مسأله انسجام داخلی پرداخت و نسبت به پروژه ایجاد شکاف در جامعه هشدار داد. او گفت: «اینها می‌خواهند سه روزه نظام جمهوری اسلامی را سرنگون کنند اما نتوانستند، اکنون نقشه کشیده‌اند که اختلاف و دعوا راه بیندازند. زمینه برای چنین اقدامی هم وجود دارد. ما می‌جنگیم و تا الان هم جنگیده‌ایم و حتماً گران می‌شویم».

پزشکیان در ادامه بدون تلاش برای پنهان‌سازی دشواری‌ها، تأکید کرد که کشور در شرایطی قرار دارد که نمی‌توان انتظار رفاه بدون هزینه داشت و گفت: «این نگاه را باید ما در جامعه و در ذهن ایرانیان زنده کنیم و از هر صدایی که بخواهد تفرقه ایجاد می‌کند، پرهیزیم اما واقعیت‌ها را هم ببینیم. اینگونه نیست که صدمه ندیده‌ایم. اینگونه نیست که دولت امکان‌تانی دارد اما به خواب رفته باشد و مردم در مشکل قرار گرفته‌اند». در همین چارچوب، رئیس‌جمهور با اشاره به تلاش شبانه‌روزی اعضای دولت سخن گفت که مسئولان در حال کار مستمر برای عبور از بحران‌ها هستند: «وزرای ما، کارشناسان ما شبانه‌روز سر کار هستند. حتی من به یاد ندارم در تمام این مدت به تعطیلی رفته باشیم». او همچنین تأکید کرد: «برای عزت و سربلندی کشورمان حاضریم تا جایی که ممکن است فداکاری کنیم و باکی هم از شهادت نداریم، ولی آنچه که مهم است، آن است که اگر ما در حالت جنگی هستیم باید حالت جنگی به خودمان بگیریم».

رئیس‌جمهور در ادامه با رد روایت‌های اغراق‌آمیز درباره «پیروزی کامل» و «شکست مطلق دشمن» گفت: «کسی که جلودار است باید صادقانه با جامعه و با مردم صحبت کند. اطلاعات و پیام غلط

پایان یافته است. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی افزود: اعضای کمیسیون نیز در این جلسه، دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود را مطرح کردند و بر لزوم پابندی تیم مذاکره‌کننده به مطالبات ملت ایران تأکید داشتند. آنان همچنین تصریح کردند که ایران باید از موضع قدرت و پیروزی در هرگونه گفت‌وگوهای احتمالی حاضر شود و در تنظیم توافقات دقت لازم صورت بگیرد. وی ادامه داد: از دیگر محورهای مطرح‌شده در این جلسه، تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان و دانشگاهیان در فرآیند تنظیم توافقات احتمالی، توجه به سوابق بدعهدی آمریکا از جمله در برجام و توافق الجزایر همچنین ضرورت حفظ و استمرار نقش ایران در مدیریت تنگه هرمز بود. اعضای کمیسیون همچنین خواستار وحدت در مواضع مسئولان در حوزه سیاست خارجی شدند.

رضایی همچنین به طرح برخی مواضع درباره امارات متحده عربی در این جلسه اشاره کرد و گفت: اعضای کمیسیون نسبت به رفتارهای این کشور اعتراض داشته و بر لزوم برخورد جدی و بازدارنده تأکید کردند و بر پیگیری موضوع «خون‌خواهی رهبر شهید انقلاب» در مجامع بین‌المللی و استفاده از ظرفیت دیپلماسی برای تثبیت دستاوردهای منطقه‌ای تأکید شدند. در پایان جلسه نیز رئیس کمیته حقوق بشر کمیسیون امنیت ملی، گزارشی از سفر اخیر این کمیته به مناب و دیدار با خانواده‌های شهدا ارائه کرد و آخرین وضعیت آرایش نظامی ایران در منطقه خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان نیز مورد بررسی قرار گرفت.

انسجام و ایجاد دعوا حتی نیازی به موشک و هواپیما هم نخواهند داشت و می‌توانند یک جامعه را از درون متلاشی کند».

گفت‌وگوی عزت‌مندانه در برابر نفی مذاکره

اما در شرایطی که بخشی از فضای سیاسی کشور بر نفی کامل مذاکره تأکید دارد، پزشکیان موضع متفاوتی در این باره اتخاذ کرد و گفت: «این شعار که می‌گویند «گفت‌وگو نمی‌کنیم» معنایی ندارد. اگر گفت‌وگو نکنیم، پس چه باید کرد؟ ما با عزت گفت‌وگو می‌کنیم. ما حق داریم، منطقی داریم، دلیل داریم و قادریم از حقوق کشورمان با قدرت دفاع کنیم و با پشتیبانی مردم خود از حقوق آنان دفاع خواهیم کرد». پزشکیان تلاش کرد مرز میان «تسلیم» و «مذاکره» را روشن کند و نشان دهد که نفی مطلق گفت‌وگو، نه سیاستی عقلانی بلکه شعاری بی‌معناست. او در پایان نیز بر ضرورت منطقی در سیاست تأکید کرد و گفت: «منطقی سخن گفتن و منطقی پاسخ دادن با شعار امکان‌پذیر نیست بلکه در میدان عمل تحقق پیدا می‌کند. آنچه مسلم است، ما با تمام وجود در خدمت مردم و کشورمان هستیم و تا پای جان ایستاده‌ایم. با عزت در مقابل بیگانگان می‌ایستیم، گفت‌وگو می‌کنیم و از حقوق و حق مردم عزیزمان دفاع خواهیم کرد».

در کنار مسائل سیاست خارجی و امنیتی، پزشکیان همچنین بخش مهمی از سخنان خود را به ضرورت اصلاح الگوی مصرف اختصاص داد. او با اشاره به شرایط پسا‌جنگ گفت که کشور نیازمند بازنگری جدی در سبک مصرف انرژی و منابع است. به گفته او «در کشورمان سه برابر اروپایی‌ها برق و گاز مصرف می‌شود» و ادامه این روند می‌تواند در تابستان و زمستان بحران‌زا باشد. پزشکیان سپس با تأکید بر اینکه در شرایط پسا‌جنگ اصلاح الگوی مصرف ضرورت دارد، گفت: «باید کنار یکدیگر باشیم و دست در دست هم دهیم تا بتوانیم مقابل دشمن ایستادگی کنیم».

او همچنین با اشاره به محدودیت‌های ناشی از فشار بر صادرات نفت و ناتوانی دولت در افزایش مالیات‌ها به دلیل مشکلات بخش خصوصی گفت: «دشمن محدودیت‌هایی را بر صادرات نفت ایجاد کرده است، از سوی دیگر امکان افزایش مالیات‌ها را نیز به دلیل مشکلات ایجاد شده برای تجار و صنعتگران نداریم لذا چاره‌ای جز اصلاح الگوی مصرف نداریم. باید فرهنگ‌سازی کنیم، توقعات خود را پایین بیاوریم و نوع زندگی و مصرف خود را اصلاح کنیم».

به باور رئیس‌جمهور، کشور در شرایط دشوار قرار دارد اما گذر از این وضعیت نه با انکار واقعیت ممکن است، نه با تفرقه داخلی و نه با شعارهای توخالی. راه عبور، صداقت با مردم، مشارکت اجتماعی، اصلاح مصرف، حفظ انسجام ملی و گفت‌وگوی عزت‌مندانه است. پزشکیان در این سخنرانی تلاش کرد، نقش راوی شرایط کشور را ایفا کند؛ روایتی که در آن هم تهدید وجود دارد، هم محدودیت، هم فشار و هم امکان برون‌رفت؛ مشروط به آنکه سیاست از شعار فاصله بگیرد و به واقعیت نزدیک شود.

و اینکه آینده‌ای را تصور کنیم که آنها در حال نابودی هستند و ما در حال شکوفایی هستیم، ای‌گونه نیست. ما مشکل داریم، آنها هم مشکل دارند. اکنون مشکل ما چقدر است و مشکل آنها چقدر، می‌ماند». پزشکیان با تأکید بر واقعیتی به‌جای شعار تلاش کرد بگوید، اداره کشور نه با تصویرسازی‌های اغراق‌آمیز بلکه با شناخت دقیق از واقعیت‌ها ممکن است. او با تأکید بر اینکه در برابر هیچ قدرتی عقب‌نشینی نخواهد کرد، گفت: «من به‌عنوان یک انسان و به‌عنوان یک مسئول به‌هیچ‌وجه در مقابل هیچ قدرتی سر خم نخواهد کرد» و ادامه داد: «عزت کشور را قربانی راحت‌طلبی و دنیای خود نخواهیم کرد؛ اما باید با تدبیر مملکت را اداره کنیم».

نقد ادبیات آمرانه و تأکید بر مشارکت عمومی

پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت مشارکت واقعی مردم در اداره کشور تأکید کرد و گفت، نگاه برتری‌جویانه باید کنار گذاشته شود. او تصریح کرد: «هر کسی که در این مملکت زندگی می‌کند، با هر زبان، هر نگاه، هر قومیت و هر جنسیتی، متعلق به این آب و خاک ایران است و حق دارد برای استقلال، عزت و سربلندی کشورش نقش ایفا کند». این نگاه در ادامه به نقد صریح ادبیات آمرانه در ساختار حکمرانی رسید. رئیس‌جمهور با استناد به نامه امیرالمؤمنین (ع) به مالک‌اشتر گفت: «نگو من امیرم، دستور می‌دهم» و سپس تأکید کرد: «این ادبیات، سه‌وجه دارد؛ قلب را سیاه می‌کند، دین را سست و بی‌بنیان می‌سازد و دگرگونی انقلاب‌ها را نزدیک می‌کند. ادبیات دستوری، ادبیاتی که من می‌گویم شما باید اطاعت کنید، پیامدهای سوء دارد».

این بخش از سخنان او، نقدی به بخشی از فرهنگ سیاسی و اداری کشور بود؛ فرهنگی که تصمیم‌گیری را از بالا به پایین می‌بیند و مشارکت اجتماعی را محدود می‌کند. پزشکیان تأکید کرد: «هیچ تصمیمی بدون مشورت نمی‌تواند، روند رو به‌جلو داشته باشد و بدون مشارکت مردم، کار به‌جایی نخواهد رسید». او در همین راستا از واگذاری اختیارات بیشتر به استانداران، اصناف، بازاریان، صاحبان صنعت، سمن‌ها و حتی مساجد و محلات دفاع و تصریح کرد که دولت موظف است تمام موانع را از سر راه آنان بردارد نه اینکه خود را داناتر از همه بداند و گفت: «چه کسی گفته است که من بهتر از آنان می‌توانم، سیاستگذاری کنم؟ چرا نباید در تصمیم‌گیری‌ها و در کارهایی که انجام می‌شود، مشارکت داده شوند؟»

رئیس‌جمهور در ادامه با تأکید بر اینکه اولویت اصلی دولت حفظ معیشت مردم و بهبود شرایط زندگی آنان است، گفت: «متأسفانه در این رابطه با محدودیت‌هایی نیز مواجه هستیم و این یک واقعیت است؛ باید واقعیت‌ها را ببینیم چراکه در غیر این صورت تحلیل درستی نخواهیم داشت». او همچنین هشدار داد که تهدید اصلی دشمن صرفاً در حملات نظامی خلاصه نمی‌شود و تصریح کرد: «دشمن با موشک، بمب و هواپیما نمی‌تواند کشور ما را تسخیر کند اما با تفرقه، شکستن



ترامپ، تایوان را فروخت؟

یادداشت اکونومیست درباره سفر ترامپ به چین

گروه بین‌الملل: نشریه اکونومیست در سرمقاله خود درباره رویکرد دونالد ترامپ به تایوان با توجه به سفر اخیرش در چین نوشت: برای لحظه‌ای به‌منظر می‌رسید که تایوان از خطر گریخته است. در طول تشریفات سفر دو روزه دونالد ترامپ به پکن که در ۱۵ مه به پایان رسید، رئیس‌جمهور آمریکا از صحبت علنی درباره تایوان خودداری کرد. این موضوع موقتا نگرانی‌های تایوان را کاهش داد؛ نگرانی‌هایی مبنی بر اینکه او ممکن است در برابر فشار چین برای محدود کردن فروش سلاح به این جزیره عقب‌نشینی کند یا حتی با اعلام اینکه با استقلال تایوان مخالف است، موضع علنی آمریکا را تغییر دهد. اما بعد اوضاع شروع به پیچیده شدن کرد. ترامپ مجموعه‌ای از اظهارات درباره تایوان مطرح کرد که بسیاری در این جزیره را عمیقاً نگران ساخت. او نهایتاً اشاره کرد که تعهد ۴۴ ساله آمریکا مبنی بر مذاکره نکردن با چین درباره فروش سلاح به تایوان دیگر قدیمی شده است بلکه گفت، بسته تسلیحاتی ۱۳ میلیارد دلاری برای تایوان را «با جزئیات فراوان» با شسی جین‌پینگ بررسی کرده و آن را یک اهرم مفید در مذاکرات می‌بیند. او همچنین رئیس‌جمهور تایوان، لای چینگ‌ته، را فردی توصیف کرد که می‌خواهد به استقلال دست یابد و آمریکا را به‌سوی جنگ بکشاند. در همان حال، او بسیاری

دیپلماسی

را با این سخن غافلگیر کرد که ممکن است درباره بسته تسلیحاتی با «فردی که تایوان را اداره می‌کند» گفت‌وگو کند. ترامپ بار دیگر ادعا کرد که تایوان صنعت نیمه‌هادی آمریکا را «دزدیده» و باید تمام تولید تراشه‌های خود را به خاک آمریکا منتقل کند. او پیش‌تر نیز چنین اظهاراتی مطرح کرده بود اما از زمانی که تایوان در قالب توافق تجاری ماه فوریه، وعده سرمایه‌گذاری ۲۵۰ میلیارد دلاری در آمریکا را داده بود، کمتر این موضوع را تکرار کرده بود. ترامپ اصرار داشت که سیاست آمریکا تغییری نکرده است. با این حال اظهارات او نشان می‌داد که شی جین‌پینگ، رهبر چین، تا حدی در تغییر نگاه او نسبت به تایوان موفق بوده است. در ابتدای نخستین روز دیدار در پکن، شی هشدار داده بود که سوءمدیریت مسأله تایوان می‌تواند به درگیری میان چین و آمریکا منجر شود. به گفته ترامپ، رهبر چین بخش عمده آن شب را صرف صحبت درباره این جزیره کرد. ترامپ افزود: «به حرف‌هایش گوش دادم». سخنان او همچنین نشان می‌داد که برخلاف رؤسای جمهوری پیشین آمریکا، رویکردی بسیار معامله‌محورتر نسبت به روابط واشنگتن و تایوان اتخاذ کرده و تعهد کمتری به دفاع از این جزیره دارد. نگرانی فوری تایوان، بسته تسلیحاتی جدید است. ترامپ در دسامبر یک بسته بی‌سابقه ۱۱ میلیارد دلاری را

ارسال متن جدید ایران به پاکستان

آیا ایران و آمریکا می‌توانند دیدگاه‌های خود را برای رسیدن به توافق به یکدیگر نزدیک کنند؟



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

در آخرین تحولات از گفت‌وگوهای ایران و آمریکا، یک منبع نزدیک به تیم مذاکره‌کننده به تسنیم گفت که ایران جدیدترین متن خود را ۱۴ بند به واسطه پاکستانی تحویل داده است و میانجی پاکستانی آن را به آمریکاها ارائه می‌کند.

وی خاطر نشان کرد: آمریکایی‌ها اخیراً در پاسخ به متن پیشین ایران که آن هم در ۱۴ بند ارائه شده بود، متنی ارسال کرده بودند. ایران نیز مجدداً براساس روال چند وقت اخیر در تبادل پیام، متن خود را پس از انجام اصلاحاتی مجدداً در ۱۴ بند به واسطه پاکستانی

ارائه کرد. به‌منظر می‌رسد، پاکستان نیز این پیشنهاد را در اختیار آمریکا قرار داده است. به گفته این منبع مطلع، متن جدید ایران بر موضوع مذاکرات پایان جنگ و اقدامات اعتمادساز طرف آمریکایی متمرکز است. به ادعای این منبع، آمریکایی‌ها برخلاف متون پیشین خود، در متن جدید پذیرفته‌اند که در طول دوره مذاکره تحریم‌های نفتی ایران را اسقاط کنند.

در همین حال، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه نیز در نشست خبری اعلام کرد مابعد از اینکه طرح ۱۴ بندی را ارائه دادیم و طرف آمریکایی ملاحظاتی خود را مطرح کرد متقابلاً ما ملاحظاتی خود را مطرح کردیم و به‌رغم

اینکه طرف‌های آمریکایی به‌طور علنی اعلام کردند، طرح ایران مردود است ما از طرف میانجی پاکستانی، مجموعه‌ای از نکات و ملاحظاتی اصلاحی را دریافت کردیم. بنابراین از روز بعد از ارسال نقطه‌نظر ما به طرف آمریکایی، از طرف پاکستان مجموعه‌ای از پیشنهادات را دریافت کردیم که در این چند روز بررسی شد و همچنان که در پیرو اعلام شد متقابلاً نقطه‌نظر ما به طرف آمریکایی منعکس شده است. روند از طریق میانجی پاکستانی ادامه دارد. تمرکز ما الان بر خاتمه جنگ است. درباره موضوع هسته‌ای تأکید کردیم که از حقوق خود طبق پیمان منع اشاعه هسته‌ای قرار نیست، عدول کنیم. وی تأکید کرد که ما اکنون درباره جزئیات هسته‌ای مذاکره نمی‌کنیم و بر خاتمه جنگ متمرکز هستیم. بقایی همچنین گفت: آن چیزی که با قطعیت می‌توان گفت، این است که بحث حق چیزی نیست که بخواهیم درباره‌اش گفت‌وگو و مصالحه کنیم.



به‌نفع ایران است که توافق کند. ترامپ همچنین نسبت به زمان دستیابی به توافق با ایران ابراز تردید کرد و گفت که اطمینان ندارد که به‌زودی توافقی حاصل خواهد شد یا نه. رئیس‌جمهور آمریکا مدعی شد اگر ایران توافق نکند، دوران بدی را سپری خواهد کرد. در واکنش به پست ترامپ، آلن ایر، سخنگوی فارسی‌زبان وزارت خارجه آمریکا در دوره باراک اوباما با انتشار پستی در ایکس با کنایه‌ای جالب به ترامپ نوشت: «این تو بگیری از آن تو بگیری‌ها نیست!» در این فضا پاکستان نیز در تلاش است تا نظرات ایران و آمریکا را به هم نزدیک کند. سفر سیدمحسن تقوی، وزیر کشور پاکستان به تهران در روزهای اخیر در همین راستا انجام شد. شهزاد شریف، نخست‌وزیر پاکستان نیز با اشاره به تلاش‌های جاری برای ادامه مذاکرات افزود: «صلح هرگز به آسانی به‌دست نمی‌آید. باید صبر، درایت و توانایی پیشبرد امور در دشوارترین شرایط را داشت.

تصویب کرده بود. پیش از نشست پکن نیز مشخص شد که او بسته دوم به ارزش حدود ۱۳ میلیارد دلار که کنگره تأیید کرده را به تعویق انداخته است. آمریکا پیش‌تر هم در آستانه دیدار با رهبران چین، ارسال بسته‌های تسلیحاتی را به تأخیر انداخته بود. ترامپ به فاکس نیوز گفت: «شاید این کار را بکنم، شاید هم نکنم. فعلاً آن را معلق نگه داشته‌ام و بستگی به چین دارد. صادقانه بگویم این یک اهرم مذاکره بسیار خوب برای ماست». آمریکا پیش‌تر همسواره تأکید می‌کرد که فروش سلاح به تایوان نباید بخشی از مذاکرات گسترده‌تر با چین باشد؛ بخشی از دلیل آن، این است که آمریکا از سال ۱۹۷۹ طبق قوانین خود موظف بوده به تایوان برای دفاع از خود کمک کند. رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا نیز در سال ۱۹۸۲ متعهد شده بود که درباره فروش سلاح به تایوان با چین مذاکره نکند. وقتی از ترامپ درباره این تعهد سوال شد، او به خبرنگاران گفت: «خب، دهه ۱۹۸۰ خیلی وقت پیش بوده است». این مسأله به‌ویژه برای دولت تایوان ناامیدکننده بود؛ زیرا پس از ماه‌ها کشمکش با احزاب مخالف، تازه موفق شده

خاورمیانه

تحول در روابط اروپا و سوریه

خروج دو وزارت از لیست تحریم‌ها

اتحادیه اروپا، وزارت‌های دفاع و کشور سوریه را از لیست تحریم‌ها حذف و تحریم‌های علیه اشخاص و نهادهای مرتبط با نظام سابق سوریه را برای مدت یک سال تمدید کرد. این تصمیم همزمان با تمدید تحریم‌های علیه افراد و نهادهای مرتبط با نظام بشار اسد تا ۱ ژوئن ۲۰۲۷ پس از بررسی سالانه شورا در مورد رژیم تحریم‌ها، اتخاذ شد. شایان ذکر است که اتحادیه اروپا در ماه مه ۲۰۲۵ تمام تحریم‌های اقتصادی علیه سوریه را با هدف حمایت از گذار مسالمت‌آمیز و فراگیر، بهبود اجتماعی-اقتصادی و تلاش‌های بازسازی این کشور لغو کرد. با این حال اتحادیه اروپا علاوه بر تحریم‌های امنیتی موجود، اقدامات محدودکننده هدفمند علیه افراد و نهادهای مرتبط با نظام سابق را نیز حفظ کرد. اتحادیه اروپا ادعا کرد، شبکه‌های مرتبط با نظام سابق اسد هنوز نفوذ قابل‌توجهی دارند و تهدیدی واقعی برای تضعیف روند گذار سیاسی در سوریه و مانع تلاش‌ها برای دستیابی به آشتی ملی و پاسخگویی هستند. افراد و نهادهایی که تحت تحریم‌ها قرار دارند مشمول مسدود شدن دارایی‌ها هستند و شهروندان و شرکت‌های اتحادیه اروپا از ارائه هرگونه وجهی به آنها منع شده‌اند. علاوه بر این، افراد هدف از ورود یا عبور از خاک کشورهای عضو اتحادیه اروپا منع شده‌اند. اتحادیه اروپا اولین بار سال ۲۰۱۱ در واکنش به وضعیت سوریه، اقدامات محدودکننده‌ای را اعمال کرد. پس از سقوط نظام اسد، شورا در ۲۴ فوریه ۲۰۲۵ با هدف تسهیل تعامل با سوریه، مردم و کسب‌وکارهای آن، تعدادی از این اقدامات را کاهش داد. در ۲۰ مه ۲۰۲۵ شورا با اعلام تصمیم سیاسی برای لغو تمام تحریم‌های اقتصادی (به‌جز تحریم‌های امنیتی) تعهد مستمر خود را به حمایت از مردم سوریه و گذار مسالمت‌آمیز و فراگیر مجدداً تأیید کرد. این امر نشان‌دهنده یک تغییر تاریخی در جهت کمک به بهبود و گذار سوریه در دوران پس از اسد بود. در تحول بعدی در ۱۱ مه ۲۰۲۶ شورا اجرای کامل توافقنامه همکاری اتحادیه اروپا و سوریه که از سال ۲۰۱۱ تا حدی به حالت تعلیق درآمده بود را مجدداً برقرار کرد.



در همین لحظه نیز ما تمام تلاش خود را انجام می‌دهیم تا این روند صلح از طریق برگزاری دور دیگری از نشست‌ها در اسلام‌آباد به صلحی پایدار منتهی شود و امیدواریم این اتفاق رخ دهد. ما بهترین تلاش خود را می‌کنیم و باقی امور در دستان خداوند است».

در ادامه این تلاش‌ها، اسحاق دار، وزیر امور خارجه پاکستان، روز دوشنبه در تماس‌های تلفنی جداگانه با همتای مصری خود و وزیر مشاور قطر در امور خارجه بر اهمیت از سرگیری مذاکرات ایران و آمریکا به‌منظور تنش‌زدایی در غرب آسیا تأکید کرد.

درحالی که کشورهای منطقه در تلاش برای جلوگیری از جنگ دوباره در منطقه هستند، روسیه که پیش‌تر آژانس خود را برای تحویل ذخایر اورانیوم ایران اعلام کرده بود از ورود به میانجی‌گری در این مذاکرات امتناع کرد. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه گفت: روسیه درصدد ورود و دخالت در روند مذاکرات میان ایالات متحده آمریکا و ایران نیست، امیدواریم روند مذاکرات میان دو کشور موفقیت‌آمیز باشد. با بالا گرفتن تنش‌ها بین ایران و آمریکا

و عبور قیمت نفت از اوپک از ۱۱۶ دلار، رسانه‌های عبری از جمله «واللا» گزارش دادند که برآوردها نشان می‌دهد که نتایج منتظر درگیری جدیدی با ایران است که ممکن است سومین درگیری باشد، به این امید که به یک تغییر بزرگ در سطوح سیاسی و نظامی دست یابد. طبق این گزارش این احتمال نیز مطرح شده که یک جنگ

بزرگ جدید می‌تواند منجر به اعلام وضعیت اضطراری و تعویق مجدد انتخابات شود؛ مسأله‌ای که هم «ایهود باراک» نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی و هم «آویگدور لیبرمن» رئیس حزب «اسرائیل خانه ما» نسبت به آن هشدار داده‌اند. عطش تانیاها برای ادامه جنگ با ایران درحالی است که رابرت گیتس، وزیر دفاع در دولت‌های جورج بوش و اوباما در مصاحبه‌ای اعلام کرد که تانیاها در ژوئیه ۲۰۰۹ به او گفته که حکومت ایران شکننده است و با اولین حمله از هم می‌پاشد اما او همان موقع گفته که کاملاً اشتباه می‌کند و مقاومت ایران را دست‌کم گرفته است.

اما مسأله مهم که کانون صحبت‌های کارشناسان و ناظران است، خروجی جنگ احتمالی آمریکا با ایران است که با توجه به مقاومت ایران، بی‌نتیجه به‌منظر می‌رسد. «دن شاپیرو» سفیر سابق آمریکا در اسرائیل در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا همچنان بین همان گزینه‌های نامطلوب در رفت‌وآمد است و گزینه مناسبی برای پایان دادن به این جنگ علیه ایران ندارد. گزینه‌های ترامپ شامل چند مورد می‌شود؛ ادامه بی‌بست درباره تنگه هرمز که به بدتر شدن بحران اقتصادی جهانی می‌انجامد؛ وارد کردن ضربه سخت‌تر به ایران که قطعاً با پاسخ قاطع ایران رویه‌رو خواهد شد و بحران اقتصادی جهانی با سرعت بیشتر به سوی وخامت می‌رود و در نهایت باید پیشنهادی ایران درباره برنامه هسته‌ای و مدیریت تنگه هرمز را بپذیرد که این موضوع آمریکا را از ناحیه ضعف نشان می‌دهد».

یادداشت فرهنگی

فروش بهشت‌های کوچک

درنگی در حذف کتاب از سبد زندگی مردم

آراکو محمودی

نویسنده و مترجم ادبی



در یکی از کتاب‌فروشی‌های کوچک و صمیمی شهرم سنندج، کنار دوست کتاب‌فروشم نشسته بودم. فضای مغازه آرام بود؛ بوی کاغذ، سکوت کتاب‌ها و نور کم‌جان عصرگاهی، حال‌وهوایی ساخته بود که انسان را به تأمل وامی‌داشت. در همین هنگام، نوجوانی آرام، محجوب و کم‌حرف وارد شد. چند لحظه‌ای میان قفسه‌ها ایستاد و سپس با صدایی آهسته پرسید: «ببخشید، شما کتاب هم می‌خرید؟ من یک کتاب‌خانه کوچک شخصی دارم و می‌خواهم بفروشمش.»

دوست کتاب‌فروش با تعجب نگاهش کرد و گفت: «چرا می‌خواهی کتاب‌هایت را بفروشی؟» پسرک مکث کوتاهی کرد و پاسخ داد: «کتاب خیلی گران شده. می‌خواهم منابع کنکور بخرم اما پول ندارم.» من نیز ناخودآگاه وارد گفت‌وگو شدم. از سرهم‌دردی گفتم: «من خودم معلم بازنشسته هستم. چرا کتاب‌هایی که دوست داری را می‌فروشی؟» لبخند تلخی زد و گفت: «این‌ها را با پول دست‌فروشی و کار در کافه‌ها خریدم؛ تابستان‌ها کار می‌کردم تا بتوانم کتاب بخرم. همه‌شان را دوست دارم، اما چاره‌ای ندارم.» در همان لحظه، جمله مشهور خورشید بورخس در ذهنم زنده شد: «همیشه تصور می‌کردم، بهشت نوعی کتاب‌خانه باشد.» برای اهل کتاب، کتاب‌خانه فقط مجموعه‌ای از کاغذهای چاپ‌شده نیست؛ بخشی از زیست معنوی انسان است. هر کتاب، خاطره یک کشف، یک تپش، یک امید و یک گفت‌وگوی خاموش با جهان است. کتاب‌خانه شخصی، به‌ویژه برای جوانی که با زحمت و کارگری آن را ساخته، چیزی شبیه بهشت شخصی اوست. اما آن نوجوان، در وضعیت دشوار اقتصادی امروز، ناچار شده بخشی از بهشت خود را بفروشد. این صحنه ساده، در حقیقت تصویری فشرده از یکی از عمیق‌ترین بحران‌های فرهنگی جامعه ماست: بحران گرانی کتاب. در سال‌های اخیر، کتاب به‌تدریج از یک نیاز فرهنگی به کالایی گران و تا حدی لوکس تبدیل شده است. افزایش قیمت کاغذ، هزینه‌های چاپ، توزیع و کاهش قدرت خرید مردم، کتاب را از سبد زندگی بسیاری از خانواده‌ها حذف کرده است. امروز حتی طبقه متوسط فرهنگی، که زمانی ستون اصلی کتاب‌خوانی در جامعه بود، برای خرید چند کتاب ساده دچار تردید می‌شود. اما گرانی کتاب صرفاً یک مسأله اقتصادی نیست؛ مسأله‌ای فرهنگی است. کتاب فقط کالا نیست که بتوان حذفش کرد و جامعه هم چنان سالم بماند. کتاب، ابزار شکل‌گیری آگاهی و تفکر انتقادی است. جامعه‌ای که کتاب در آن کم‌رنگ شود، به‌تدریج قدرت اندیشیدن، گفت‌وگو کردن و رؤیا دیدن را از دست می‌دهد. بحران کتاب، در نهایت بحران روح جمعی جامعه است. در همه سنت‌های بزرگ فکری، کتاب‌خانه نماد حافظه و خرد بوده است. کتاب‌خانه فقط محل نگهداری کتاب نیست؛ محل تداوم تاریخ و تجربه انسانی است. وقتی انسان‌ها ناچار می‌شوند، کتابخانه‌های شخصی خود را بفروشند، در واقع بخشی از حافظه و هویت فرهنگی خویش را واگذار می‌کنند. این اتفاق صرفاً یک معامله اقتصادی نیست؛ نوعی شکست فرهنگی است که آرام و بی‌صدا رخ می‌دهد. آن نوجوان برای خرید کتاب‌های کنکور، کتاب‌های ادبی و فکری خود را می‌فروخت. این تناقض، یکی از تلخ‌ترین نشانه‌های وضعیت آموزشی و فرهنگی ماست. نظامی که جوان را مجبور می‌کند برای عبور از سد آزمون‌ها، از سرمایه فرهنگی و عاطفی خود چشم‌پوشد، در حقیقت میان «آگاهی» و «بقا» شکافی دردناک ایجاد کرده است. او باید بخشی از جهان درونی خود را قربانی کند تا شاید امکان ورود به آینده‌های نامعلوم را به دست آورد. پیامد چنین وضعیتی فقط کاهش سرانه مطالعه نیست. جامعه‌ای که رابطه‌اش با کتاب ضعیف شود، به‌تدریج در معرض نوعی ظلمت فرهنگی قرار می‌گیرد. در غیاب کتاب؛ سطحی‌نگری، فراموشی تاریخی و زوال گفت‌وگو عقلانی گسترش می‌یابد. انسان بی‌کتاب، بیش از هر زمان دیگری در معرض انفجار و سرگردانی است؛ زیرا کتاب یکی از مهم‌ترین ابزارهای مقاومت در برابر ابتدال و فروپاشی معنوی است. شاید فروش چند جلد کتاب در یک کتاب‌فروشی کوچک اتفاق مهمی به نظر نرسد اما حقیقت این است که پشت این تصویر ساده، بحرانی بزرگ پنهان شده است. در کشوری که جوانانش برای ادامه تحصیل مجبور می‌شوند، کتاب‌خانه‌های شخصی خود را بفروشند باید نگران آینده فرهنگی بود. زیرا ملت‌ها تنها با فقر اقتصادی فرو نمی‌پاشند؛ گاهی پیش از آن، با فقر فرهنگی و خاموش شدن چراغ کتاب‌خانه‌ها دچار فرسایش می‌شوند. آن نوجوان از کتاب‌فروشی بیرون رفت اما تصویر نگاهش هم چنان در ذهن باقی مانده است؛ نگاه کسی که ناچار بود، بخشی از بهشت کوچک خود را بفروشد تا در دوزخ گرانی و اضطراب دوام بیاورد و شاید تراژدی زمانه ما دقیقاً همین باشد: فروش آرام بهشت‌های کوچک در سرزمینی که کتاب هر روز دورتر و دست‌نیافتنی‌تر می‌شود.

الزامات نظری و عملی توسعه

عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران نوشته دکتر محمود سریع‌القلم به چاپ بیست‌ویکم رسید

توسعه تابع فرهنگ است

به اعتقاد سریع‌القلم توسعه‌یافتگی به‌طور مطلق تابع سرمایه و ضرورتاً تابع تکنولوژی نیست. هم‌چنین توسعه‌یافتگی تابع صادرات و واردات نیست، بلکه به‌طور ریشه‌ای تابع فرهنگ است. اگر ملت آلمان با درجه‌ای از وطن‌دوستی و عشق و علاقه به کار و نظم بی‌نظیر در تاریخ بشری و جغرافیا و منابعی محدود، توانسته آلمان را به کشوری تبدیل کند که تقریباً ۸۰۰ میلیارد دلار در سال تولید می‌کند و نصف آن را صادر می‌کند. این پیشرفت صرفاً به کارخانه‌های آلمان منتهی نمی‌شود، بلکه محصول فرهنگی است که مواد خام را تبدیل می‌کند و محصولات را به‌وجود می‌آورد. منظور ما این نیست که متغیرهای اقتصادی را کم اهمیت جلوه دهیم، بلکه در مقام نظر پیرودازی و مشکل‌یابی و طراحی و اولویت‌بندی هستیم و در این چارچوب تربیت انسان‌های یک جامعه را با اهمیت‌ترین مسأله توسعه‌یافتگی می‌دانیم و اگر قرار باشد که انسان‌های یک جامعه حرکت کنند، و از وضع موجود به وضع مطلوب بروند و روح آن‌ها، معنویت آن‌ها و ذهن و استعدادها را در آن‌ها توسعه و شکوفایی پیدا کند، بالاترین مسئولیت را در آموزش و تربیت نخبگان و هیأت حاکمه یک جامعه دارند.

نسبت توسعه با دولت

او در بخش دیگری از کتابش درباره نسبت آزادی و توسعه می‌نویسد: «بحث آزادی و توسعه‌یافتگی بحثی است که از لحاظ نظری، ارتباط میان دولت و جامعه را تنظیم می‌کند. بحث آزادی در یک جامعه معرف تعریفی است که آن جامعه و نخبگان و مردم آن از انسان، حکومت، گذشته و آینده و توسعه‌یافتگی دارند. بحث آزادی، معرف

و خواهان آموزش تفکر اصولی و انتقادی به‌جای حرکت در مسیرهای بی‌شمار عقاید دیگران است. سریع‌القلم این اثر را به ۴ بخش کلی و ۲۶ فصل تقسیم کرده که بخش اول فصل اول آن مقدمه نظری او را بیان می‌کند. بخش دوم پایه‌های نظری پیشرفت و توسعه را در ۵ فصل به‌طور کامل شرح می‌دهد و بخش سوم که شامل ۷ فصل است، مسأله توسعه‌یافتگی در جهان سوم را زیر ذره‌بین برده است. بخش چهارم و نهایی اثر که مفصل‌ترین بخش کتاب هم هست، در ۱۳ فصل به شرح توسعه و پیشرفت و سیاست‌های موجود در این زمینه در ایران می‌پردازد.



نام دکتر محمود سریع‌القلم برای مخاطب ایرانی ناآشنا نیست. کتاب‌خوان‌ها، او را با آثاری چون «عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران» و «اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار» و «اقتدارگرایی ایرانی در عهد پهلوی» می‌شناسند و آن‌هایی که کمتر اهل مطالعه‌اند، نام او را از فهرست‌های ۳۰ گانه‌ای که هر از گاهی در سایت خود و رسانه‌ها منتشر می‌کند به خاطر دارند. به‌تازگی چاپ بیست‌ویکم کتاب «عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران» نوشته دکتر محمود سریع‌القلم با ویراست و مقالات جدید و طرح جلدی متفاوت و نو توسط انتشارات فرزاد منتشر شده است. کتاب «عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران» اثری است در باب تفکر اصولی و پیشرفت سیاسی که دکتر محمود سریع‌القلم، پژوهش‌گر عرصه اقتصاد سیاسی بین‌الملل، آن را به رشته تحریر درآورده است. او در این کتاب دیدگاه‌هایش را در زمینه کلیت اندیشه و ساختارهای سیاسی کشور ابراز داشته و از عدم ثبات سیاسی و نحوه تفکر و رفع و رجوع مسائل انتقاد کرده است. سریع‌القلم معتقد است بحث پیشرفت و توسعه در ایران، بسیار قبل‌تر از کشورهای همسایه و خاور دور آغاز شده ولی به دلیل تغییرات بی‌دری سیاسی و عدم تمرکز اصلاحات، راه به‌جایی نبرده است. به نظر او پیشرفت اجتماعی و سیاسی کشور دست‌خوش هیجانات منطقه‌ای است و میل به ثبات در روندهای اجرایی کشور دیده نمی‌شود و همین قضیه آشفتنگی بیشتر و ضررهای مداوم را در پی دارد. نویسنده در این کتاب معتقد است عده‌ای مدام می‌خواهند مردم را در جهت عقاید فکری خود قرار بدهند، بدون اینکه آزادی و استقلال عقیده‌ای در کار باشد. او یکسان‌سازی فکری مردم را امری اشتباه قلمداد کرده

گزارش: فوتبال ایران

پرواز بدون سردار

تیم ملی و پرچالش‌ترین جام جهانی تاریخ

خبرگزاری فرانسه در گزارشی درباره تیم‌های ایران نوشت: «ایرانی‌ها قرار است با وجود جنگی که هم‌اکنون خاورمیانه را درگیر کرده است، محل استقرار خود را در ایالات متحده برپا کنند و هر سه مسابقه مرحله گروهی‌شان را نیز در خاک آمریکا برگزار کنند». این در حالی است که طی روزهای گذشته نشست‌های میان مسئولان فوتبال ایران و فیفا برگزار شد. ماتیاش گراف‌ستروم، دبیرکل فیفا بعد از این نشست گفت: «نشست بسیار خوبی با فدراسیون فوتبال ایران داشتیم؛ نشست سازنده. فکر می‌کنم همکاری نزدیکی با یکدیگر داریم و با اشتیاق فراوان منتظر استقبال از ایران در جام جهانی هستیم». این در حالی است که گفته می‌شد فدراسیون فوتبال ایران شرایطی برای حضور در مسابقات دارد، هرچند

هوایم‌ای تیم‌های ایران ظهر دیروز با وجود تأخیر دو ساعته از تهران به سمت ترکیه پرواز کرده و در آنتالیا به زمین نشست. تیم‌های ایران باید بعد از برگزاری یک اردوی کوتاه‌مدت در ترکیه، به آمریکا سفر کنند. این هفتمین جام جهانی است که فوتبال ایران تجربه می‌کند و به‌منظر ماجراجویانه‌ترین آنها باشد.

امید ذاکری‌نیا



گروه فرهنگ

بدون چند ستاره

کمتر کسی تصور می‌کرد لیست تیم‌های برای جام جهانی در حالی بسته شود که نام سردار آزمون در آن نباشد. سردار از سال ۲۰۱۵ تا پیش از جام جهانی ۲۰۲۴، یکی از بازیکنان ترکیب ثابت تیم‌های بوده است. او سومین گلزن برتر تاریخ فوتبال ملی ایران است اما به دلیل اتخاذ مواضع سیاسی، از لیست تیم کنار گذاشته شد. موضوعی که واکنش سایت فیفا را به همراه داشت، چراکه در گزارشی در ارتباط با لیست تیم‌های ایران، نوشت: «فهرست گسترده امیر قلعه‌نویی بیش از هر چیز بر تجربه تکیه دارد؛ به‌طوری که مهدی طارمی، ستاره خط حمله تیم‌های، یکی از ۱۲ بازیکنی است که دست‌کم ۵۰ بازی ملی در کارنامه خود دارند. با این حال، در این فهرست نام سردار آزمون، سومین گلزن برتر تاریخ تیم‌های ایران، دیده نمی‌شود. همچنین الهیاب صیادمینش، وینگر شاغل در بلژیک، و محمد جواد حسین‌نژاد، هافبک جوان، نیز از این اردو جا مانده‌اند». قلعه‌نویی در گفت‌وگویی که با وبسایت فدراسیون فوتبال داشت، در این باره گفت که انتخاب فهرست بازیکنان تیم‌های، دشوارترین تصمیم دوران مربیگری‌اش بوده است: «انتخاب ۳۰ بازیکن برای آخرین اردوی آماده‌سازی پیش از جام جهانی، سخت‌ترین تصمیم فنی دوران مربیگری من بود».

تیم‌های ایران که اکنون در شهر آنتالیا در ترکیه اردوی خود را شروع کرده و در انتظار پیوستن لژیونرهاست، پس از انجام این اردو، برای برگزاری مسابقات جام جهانی به شهر لس‌آنجلس در آمریکا خواهد رفت و ابتدا با نیوزلند و سپس با بلژیک بازی می‌کند. بعد از آن در آخرین بازی مرحله گروهی در شهر سیاتل و در یک بازی احتمالاً پرحاشیه به مصاف تیم‌های مصر خواهد رفت. از مدت‌ها قبل اعلام شده که در زمان برگزاری بازی تیم‌های ایران و مصر، قرار است رژه افتخار همجنس‌گرایان نیز در این شهر برگزار شود. موضوعی که با مخالفت فدراسیون‌های فوتبال مصر و ایران همراه بود اما به‌منظر می‌رسد فیفا به‌واسطه قانون احترام به شرایط فرهنگی میزبان، نتواند مانع از برخورد این مسابقه و آن مراسم شود.



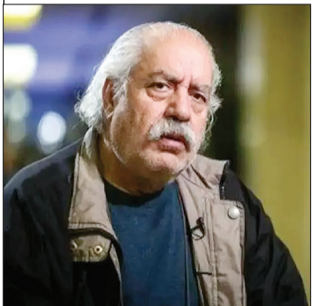
تندیس در کشور فنلاند تحت عنوان: بخوان، حتی اگر در حال غرق شدن هستی



حاشیه

زیر هجوم سلطنت طلب‌ها

بهزاد فراهانی و گلشیفته فراهانی در روزهای گذشته از سوی سلطنت طلبان به شدت مورد حمله قرار گرفتند



بهزاد فراهانی طی دو روز اخیر، به واسطه انتشار حرف‌هایش در فضای مجازی، به شدت مورد هجوم قرار گرفته است. بخش‌هایی از حرف‌های این بازیگر و کارگردان قدیمی تئاتر و سینما، در فضای مجازی منتشر شده که احتمالاً او در یک گفت‌وگوی آزاد ایرانیان خارج از کشور در پاریس، پایتخت فرانسه بیان کرده است. اما دو بخش از این

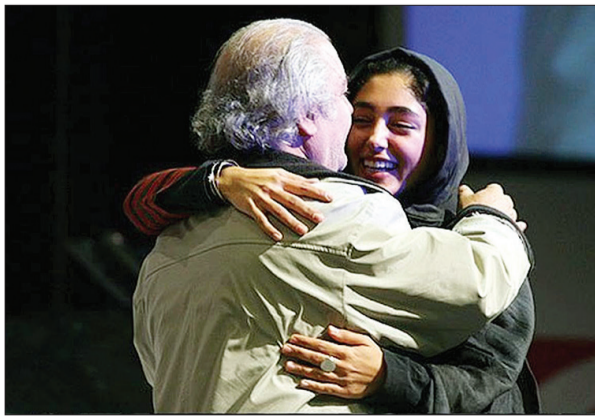
مصاحبه در فضای مجازی ویرال شده است. بخشی هست که در آن فراهانی درباره ایران می‌گوید: «دوستان شما در حالت آرام و لطیفی زندگی می‌کنید. لطف کنید نگاهتان را به کشورتان (ایران) با همین شرایطی که داریم، تغییر بدهید. یک کمی منصفانه نگاه کنید. برخی فکر می‌کنند در ۴۷ سال مردم ما در خاموشی مطلق زندگی می‌کنند و لامتنفرین هستند. کشور ما رشد کرده است. ملت ما خیلی رشد کرده است.»

اما بخش دیگر صحبت‌های او که حملات بیشتری را متوجه این بازیگر و کارگردان قدیمی کرده، آنجایی است که می‌گوید: «ما خیلی چون‌کنیم در این میدان. بچه‌هایی که تربیت کردم، بچه‌های خوبی بودند و خیلی خوب هستند و امروز جامعه هنری خالی از آنها نیست». او ادامه می‌دهد: «و البته می‌خواهم چیزی بگویم که خارج از تقدس اینجاست. ما... داشتیم، او را آوردیم پایین، شما هم دارید! بفرمایید ما هم کنارشان هستیم.»

این حرف‌های بهزاد فراهانی به شدت در فضای مجازی مورد حمله قرار گرفت. بیشتر کسانی که از این حرف‌ها خشمگین هستند، به گناه کپشن‌ها و کامنت‌هایی که زیر ویدئوها به اشتراک گذاشته شده، به گروه اپوزیسیون سلطنت طلب تعلق دارند. آنها بهزاد فراهانی را به واسطه تفرکات چپ با شدیدترین الفاظ خطاب قرار دادند. در این میان، پای فرزندان او به خصوص گلشیفته هم به ماجرای حملات باز شد. آن‌هم در حالی که طی روزهای گذشته، اخباری در رسانه‌های فرانسوی و اروپایی منتشر شد، که باعث شد بار دیگر مخالفان سیاسی این بازیگر به میدان بیایند. رسانه‌ها در هفته گذشته، شایعه‌ای را منتشر کردند که براساس آن سیلی خوردن رئیس‌جمهور فرانسه از همسرش بریزت، به خاطر ارتباط دوستانه او با گلشیفته فراهانی بوده است. موضوعی که نام گلشیفته را در رسانه‌های بین‌المللی و البته فضای مجازی فارسی مطرح کند. گلشیفته پیش از آغاز جنگ و حملات آمریکا و اسرائیل به ایران نیز به دلیل مصاحبه‌ای که در آن ضحیت خودش را با حمله به ایران و همچنین ترامپ و اسرائیل اعلام کرده بود، از سوی گروهی از اپوزیسیون سلطنت طلب و طرفدار جنگ، به شدت مورد هجوم در فضای رسانه‌ای قرار گرفت.

هرچند بعد از شروع جنگ، مشخص شد که حرف‌های گلشیفته نسبت به نیت آمریکا و اسرائیل برای حمله به ایران و تبعات و برانگیز جنگ، تاحدودی درست از آب درآمد اما این باعث نشد که خصوصیت جدی که بعد از کنفرانس جرج تاون، میان او و هواداران سلطنت، به وجود آمده بود، کم‌رنگ شود. حالا حرف‌های بهزاد فراهانی که به عنوان یک کارگردان و نویسنده با گرایش چپ، نگاه متفاوت خاص خودش را به سیاست و دنیا دارد، جنجالی شده است. البته که بزرگترین نقدی که می‌توان به حرف‌های فراهانی وارد کرد، نوع ادبیاتی است که به کار می‌برد، چرا که او به عنوان یک فرد مشهور و شناخته شده مسئولیت اخلاقی نیز به عهده دارد و باید مراقبت بیشتری نسبت به کلماتی که استفاده می‌کند، داشته باشد.

با این وجود، بهزاد فراهانی اکنون یکی از مهم‌ترین سیبل‌های گروهی بسیار عصبانی در فضای مجازی است که از هر فرصتی برای انتشار ویدئوی حرف‌های او که لحنی مؤدبانه! ندارد، و همچنین حمله به او و دخترش استفاده می‌کنند. بهزاد فراهانی در یکی از آخرین گفت‌وگوهایش گفته بود که مدت‌هاست به خاطر جراحی پا خانه‌نشین شده و شاید همین موضوع باعث شده که او کمتر از شرایط روحی و روانی جامعه باخبر باشد. او در جایی از صحبت‌هایش می‌گوید که هنوز با همان تفکرات سال‌های قبلش زندگی می‌کند، درحالی که شرایط طی دهه‌های اخیر در سراسر جهان تغییرات زیادی داشته است. با این وجود، احتمالاً از این پس بخشی از انرژی او صرف برخورد با دشمنان، تهدیدها و در حالت خوش‌بینانه انتقادهای تندی باشد که به نظر قرار نیست به این زودی‌ها پایان پذیرد.



پیچیده، بین سرنوشت توسعه یک کشور، و روش حل و فصل اختلافات وجود دارد. در مقابل، تاریخ ایران را بخوانید، تاریخ ما، مملو است از تبعید، حذف، ترور، خیانت و مهاجرت. در حال حاضر روی اقتدارگرایی ایرانی در عهد پهلوی کار می‌کنم. در سال‌های ۵۱ و ۵۲، بخشی از تحصیل کرده‌ها و تکنوکرات‌ها از ایران مهاجرت کردند. همان دوره‌ای که درآمدهای نفتی ایران زیاد شد، حس استبدادی شاه غلیظ‌تر شد، و او دیگر حرف کسی را گوش نمی‌کرد، و همه دیدند اینجا یک نفر است که به تنهایی تصمیم‌های اقتصادی، نظامی، امنیتی، اجتماعی و سیاست خارجی می‌گیرد. در اقتدارگرایی، عموم مسائل به گونه‌ای طراحی و هدایت می‌شوند تا یک نفر در قدرت باقی بماند.»

سریع‌القول درباره نقش دولت در فرآیند توسعه هم می‌گوید: «وقتی حاکمیتی تصمیم به توسعه گرفت، نقش دولت باید بازتعریف شود. این یکی از اصول توسعه است. پس مهم، تصمیمی است که حاکمیت باید با قاطعیت بگیرد. اما ممکن است حاکمیتی علاقه داشته باشد که وضع موجود را حفظ کند. در این صورت، تعریف دولت همان است که نخبگان نگران آن هستند. در این صورت دولت همه جا حضور دارد. در حالی که رشد و توسعه یعنی حاکمیت بپذیرد که وضع موجود را تغییر دهد. حداقل این که حاکمیت بپذیرد برای دولت، حدود و نفوذی قائل شود. در کشورهایی مثل چین، برزیل، شیلی و مکزیک وقتی حاکمیت تصمیم به توسعه می‌گیرد، برای دولت نقش ناظم یا تنظیم کننده در نظر گرفته می‌شود. یا نهادی که قانون را اجرا می‌کند. اما دولت، کاسبی نمی‌کند و رفتاررفته به سوی واگذاری امور حرکت می‌کند. ممکن است عملیاتی کردن این سیاست، دو دهه طول بکشد و شاید اجرای این سیاست، فراز و نشیب زیادی داشته باشد. بارها و بارها قوانین را عوض کنند تا جلوی سوء استفاده‌های مالی را بگیرند. جلوی رشوه را بگیرند. این فرآیند حتماً زمان خواهد برد. در این فرآیند، عنصری که می‌تواند به سرعت کار کمک کند، رسانه‌ها هستند. در قرن ۱۹، رسانه‌های آزاد در اروپا وجود داشتند در حالی که هنوز دموکراسی شکل نگرفته بود.»

قلعه‌نویی ۳۰ بازیکن را در لیست قرار داده که در نهایت از میان آنها، لیست ۲۶ نفره نهایی را انتخاب خواهد کرد. مهم‌ترین ستاره غایب تیم ملی در این مسابقات سردار آزمون است. او ۵۷ گل برای تیم ملی زده، در تیم‌های بایرلورکوزن و آ.اس. رم ایتالیا سابقه بازی دارد و یکی از کاپیتان‌های اصلی تیم ملی به حساب می‌آید. گفته می‌شود دلیل خط خوردن آزمون به خاطر مسائل سیاسی و غیرفوتبالی است. شاید چند استوری در اعتراضات با عکسی که در زمان جنگ او را در حال دست دادن با حاکم دبی نشان می‌داد، اصلی‌ترین دلایل کنار گذاشته شدن این بازیکن باشد. قلعه‌نویی اما حرف دیگری دارد: «به خداوند قسم می‌خورم که هیچ عامل دیگری جز معیارهای فنی در انتخاب بازیکنان نقش نداشت و این ۳۰ نفر را صرفاً بر همین اساس برگزیدم». سرمربی تیم ملی درحالی از خط‌زدن آزمون به خاطر مسائل فنی می‌گوید که برای جانشینی او یک بازیکن دوره ایرانی-آلمانی به نام دنیس اکرت را به تیم ملی دعوت کرده است. دنیس که برادرزاده آناهیتا درگاهی، بازیگر سینمای ایران است، حالا با اسم دنیس درگاهی در تیم ملی ایران در جام جهانی حضور خواهد داشت. آیا دنیس اکرت از سردار بازیکن بهتری است؟ کارنامه و عملکرد دو بازیکن طی سال‌های گذشته، این را نشان نمی‌دهد و باید دید قلعه‌نویی برای این جابجایی چه دلایلی داشته است. سردار آزمون در دو جام جهانی و سه جام ملت‌ها مهاجم اول تیم ملی ایران بوده است.



آسیا هم به عنوان سرمایه اجتماعی یعنی بودنیسم وجود داشت و بعد وقتی اقتصاد آزاد پذیرفته شد، خیلی به روند توسعه در این منطقه کمک کرد. فرهنگ بودایی و فرهنگ کنفوسیوسی همکاری را ترویج می‌کنند. چرا در آسیا خیلی سریع بنگاه‌ها به وجود آمدند، کارخانه‌ها به وجود آمدند، صنایع راه افتادند؟ چون مردم این منطقه خیلی با هم خوب کار می‌کنند. لایه دیگری که پرسش خوب شما دارد این است که در یک جامعه، نزاع و کشمکش و اختلاف چگونه حل می‌شود؟ یکی از روش‌هایی که می‌توانیم جوامع را بشناسیم، طرح این سوال است که در این جامعه اختلاف چگونه حل می‌شود؟ وارد جامعه فنلاند می‌شویم، می‌خواهیم ببینیم در این جامعه آدم‌ها که با هم نزاع می‌کنند و دچار اختلاف می‌شوند، چگونه حل و فصل می‌کنند؟ در انگلیس چطور؟ در یک کشور عربی چطور؟ در فرهنگ ژاپنی چطور؟ به این ترتیب ارتباطی مستقیم و ارگانیک و

چارچوبی است که در آن فضای فرهنگی و فکری یک جامعه شکل گرفته است.»

جمع‌بندی سریع‌القول درباره موتور محرکه توسعه این است که توسعه، در نهایت یک سیستم می‌خواهد و می‌گوید: «ممکن است نیروی محرکه توسعه، یک نفر مثل مائتیر محمد باشد، اما مائتیر محمد هم باید یک سیستم ایجاد کند تا توسعه محقق شود. ریشه سیستم در همکاری است؛ همکاری، برای تولید، برای توزیع، برای مدارای اجتماعی، برای رعایت قانون و همه چیز. فرهنگ کنفوسیوسی، و فرهنگ بودایی، کلاً، فرهنگ مداراست. رعایت حقوق دیگران. بعد، رعایت اخلاق اجتماعی. بعد، ایجاد برابری‌های اجتماعی. مبارزه با فقر. و این فرهنگ خیلی به روند توسعه در چین کمک کرده است. در اروپا هم همین‌طور. به لحاظ توریک، لیبرالیسم اقتصادی در اروپا به شکل گیری سیستم کمک کرد. عنصری که در

هیچگاه مسئولان فیفا اشاره‌ای به قبول یا رد آنها نکردند: «فرصت داشتیم درباره برخی مسائل اجرایی گفت‌وگو کنیم؛ همان‌طور که با تمام فدراسیون‌های عضو انجام می‌دهیم. اما بسیار خوشحالم که این تبادل نظر مثبت انجام شد و هم فدراسیون فوتبال ایران و هم فیفا از این نشست رضایت کامل دارند و مشتاق استقبال از تیم ملی ایران در ایالات متحده، کانادا و مکزیک هستند». گرافستروم درحالی این را گفت که تا روز پنج‌شنبه، مهدی تاج گفته بود هنوز هیچ ویزایی برای اعضای تیم ملی صادر نشده اما تاج هم بدون شرح جزئیاتی بیشتر این نشست را مثبت و سازنده خواند: «نگرانی‌های خود را مطرح کردیم و بر تعهد مشترکمان برای تضمین حضور روان و بدون مشکل تیم ملی ایران تأکید کردیم.»

قلعه‌نویی چه می‌گوید؟

امیر قلعه‌نویی در نشست که در مقر فدراسیون فوتبال ترکیه انجام داد ابراز امیدواری کرد که تیم ملی بتواند دو دیدار دوستانه در این کشور انجام دهد. براساس آنچه قلعه‌نویی می‌گوید، ۱۰ روز آینده قرار است تیم ملی یک بازی دوستانه با گامبیا برگزار کند. این می‌تواند ضعیف‌ترین تدارکات و آماده‌سازی فوتبال ایران در تاریخ حضورش در جام‌های جهانی باشد. این بار تیم با مجموعه متفاوت از بازیکنان و بدون بازی تدارکاتی به مسابقات می‌رود.

در جست‌وجوی ویزا

تیم ملی ایران در حالی از دیروز تمریناتش را در اردوی ترکیه آغاز کرده که به نظر یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های فدراسیون فوتبال، دریافت ویزا برای بازیکنان و تمامی عوامل تیم باشد. موضوعی که پیش از این نیز محل بحث بوده است و حتی نگرانی‌هایی درباره صدور ویزا برای مهدی طارمی، احسان حاج‌صفی و چند بازیکن و یکی از مربیان تیم ملی نیز وجود داشت. براساس گزارش‌ها، بازیکنان تیم ملی ایران قرار است در ترکیه مراحل انگشت‌نگاری را انجام دهند تا نیازی به سفر طولانی از آناتالیا به آنکارا نباشد. این در حالی است که اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، واشنگتن را به طرح بهانه‌های خود ساخته برای جلوگیری از ورود برخی اعضای تیم به آمریکا متهم کرده و این شاید نشانه‌هایی حاکی از وجود موانعی بر سر حضور برخی از اعضای تیم ملی ایران باشد. این در حالی است که مسئولان فیفا به فدراسیون فوتبال ایران قول داده‌اند که شرایط را برای حضور همه عوامل مهیا کنند. در صورتی که ویزا برای تیم ملی ایران صادر شود، تیم ملی یک مسابقه با یک باشگاه ترکیه‌ای و یک دیدار هم با تیم ملی پورتوریکو برگزار خواهد کرد. با این وجود حتی در صورت صدور ویزا، تیم ملی ایران یکی از متفاوت‌ترین جام‌جهانی‌ها را سپری خواهد کرد. تیمی که از نظر آماده‌سازی مشکلات فراوانی داشت و تمام مسابقات تدارکاتی اش لغو شده است، ضمن اینکه آنتونیو مانیکنو، مربی ایتالیایی نیز قراردادش را یک‌طرفه فسخ کرده است. آخرین بازی تیم ملی هفته گذشته و در شکل یک مسابقه درون تیمی برگزار شد. دو هفته پیش، مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال نیز برای حضور در کنگره فیفا اجازه ورود به خاک کانادا را پیدا نکرد. با این وصف باید دید آیا تیم ملی ایران می‌تواند کامل به آمریکا برود یا شاید اتفاقات متفاوت دیگری رخ بدهد.



روبه‌زوال

ارزیابی اکونومیست

از جنگ روسیه و اوکراین چیست؟

مهتا معرفت
<div>مترحم</div>

چهار سال پس از آغاز جنگ روسیه و اوکراین، ارزیابی بسیاری از تحلیلگران غربی این است که جنگ وارد مرحله‌ای فرسایشی و پرهزینه شده؛ جنگی که در آن میزان تلفات انسانی و هزینه اقتصادی، تناسبی با دستاوردهای سرزمینی ندارد. در همین چارچوب، نشریه اکونومیست در تازه‌ترین برآوردهای خود تصویری کم‌سابقه از ابعاد انسانی این جنگ ارائه کرده است. براساس مدل تحلیلی اکونومیست، مجموع تلفات روسیه– شامل کشته و زخمی– اکنون بین ۱.۱ تا ۱.۴ میلیون نفر برآورد می‌شود که از این میان حدود ۲۳۰ تا ۴۳۰ هزار نفر کشته شده‌اند. این ارقام، جنگ اوکراین را به یکی از خونین‌ترین درگیری‌های اروپا پس از جنگ جهانی دوم تبدیل کرده است. برخی تحلیلگران معتقدند، روسیه در این جنگ بخشی از نسل‌مردان جوان خود را از دست داده. تا جایی که اکونومیست تخمین زده، تلفات جنگی معادل حدود ۳ درصد مردان روس پیش از جنگ است. چنین سطحی از تلفات، نهنه‌ها پیامد نظامی بلکه اثرات عمیق جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی نیز خواهد داشت. کاهش نیروی کار، افزایش فشار بر نظام رفاهی، بحران جمعیتی و کمبود نیروی متخصص ازجمله پیامدهایی است که روسیه احتمالاً در سال‌های آینده با آن روبه‌رو خواهد شد. اما مسأله اصلی اینجاست که این هزینه عظیم انسانی، دستاورد تعیین‌کننده‌ای در میدان نبرد ایجاد نکرده است. براساس داده‌های میدانی، روسیه از ابتدای سال جدید میلادی تنها حدود ۲۲۰ کیلومتر مربع از خاک اوکراین را تصرف کرده؛ رقمی که حدود ۰.۰۴ درصد خاک اوکراین محسوب می‌شود. در مقابل، اوکراین نیز در هفته‌های اخیر موفق شده، بخشی از مناطق اشغالی را بازپس بگیرد. این وضعیت نشان می‌دهد که جنگ از مرحله عملیات برق‌آسا و مانورهای گسترده خارج شده و به جنگی فرسایشی با پیشروی‌های محدود و بسیار پرهزینه تبدیل شده است. ارزیابی اکونومیست و بسیاری از اندیشکده‌های غربی این است که روسیه اگرچه هنوز توان ادامه جنگ را دارد اما با مسأله‌ای به نام «نسبیت هزینه به دستاوردها» روبه‌رو شده است. به بیان دیگر، کرملین برای تصرف مناطق کوچک‌تر، ناچار به پرداخت هزینه‌های انسانی و اقتصادی بسیار بزرگ‌تری نسبت به سال‌های ابتدایی جنگ شده است. همین موضوع باعث شده، برخی تحلیلگران از وضعیت نگران‌کننده برای توصیف وضعیت روسیه استفاده کنند. یعنی پیشروی‌هایی که هزینه آنها ممکن است بیش از منافع‌شان باشد. مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا (CSIS) نیز معتقد است، جنگ وارد مرحله‌ای شده که در آن روسیه برای حفظ فشار بر جبهه‌ها ناچار است تلفات سنگینی را بپذیرد. این مرکز برآورد کرده که مجموع تلفات دو طرف ممکن است به دو میلیون نفر نزدیک شود؛ رقمی که در جنگ‌های معاصر کم‌سابقه است. یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش تلفات روسیه، تغییر ماهیت جنگ است. در سال‌های اخیر، استفاده گسترده اوکراین از پهپادها، سامانه‌های هوشمند و حملات دقیق باعث شده حتی پیشروی‌های کوچک نیز برای روسیه بسیار پرهزینه شود. برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد، روسیه برای حفظ خطوط تماس به تاکتیک‌های فرسایشی و حملات موجی متوسل شده؛ رویکردی که تلفات انسانی بالایی به همراه دارد. در بعد اقتصادی نیز فشار جنگ بر روسیه در حال افزایش است. هرچند اقتصاد روسیه در سال‌های ابتدایی جنگ به‌واسطه درآمدهای نفتی و هزینه‌های نظامی از فروپاشی فاصله گرفت اما اکنون نشانه‌های فرسایش اقتصادی آشکارتر شده است. دولت روسیه اخیراً پیش‌بینی رشد اقتصادی خود را کاهش داده و برخی تحلیلگران از کند شدن اقتصاد، افزایش تورم و فشار تحریم‌ها سخن می‌گویند. با این حال اکونومیست و بسیاری از ناظران غربی هنوز معتقدند، کرملین تصمیمی برای عقب‌نشینی کامل ندارد. از نگاه ولادیمیر پوتین، جنگ اوکراین تنها یک نبرد سرزمینی نیست بلکه بخشی از رقابت ژئوپلیتیک روسیه با غرب تلقی می‌شود. به همین دلیل حتی با وجود تلفات سنگین، روسیه همچنان تلاش می‌کند ابتکار عمل نظامی را حفظ کند و جنگ را به نقطه‌ای برساند که بتواند، دستاوردی سیاسی از آن استخراج کند. در مجموع ارزیابی اکونومیست از جنگ روسیه و اوکراین این است که جنگ وارد مرحله‌ای شده که در آن، زمان و فرسایش اهمیت بیشتری از پیشروی‌های سریع پیدا کرده است. روسیه هنوز فرو نپاشیده و اوکراین نیز شکست نخورده اما هر دو کشور بهای سنگینی می‌پردازند. تفاوت اصلی اینجاست که روسیه برای دستاوردهای محدود سرزمینی، هزینه‌ای بسیار بزرگ‌تر از انتظار اولیه خود پرداخت کرده؛ هزینه‌ای که ممکن است آثار آن تا دهه‌ها بر اقتصاد، جمعیت و جایگاه بین‌المللی این کشور باقی بماند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

پول بی‌برکت

تورم چگونه قدرت خرید ما را کم می کند؟

سعید خوش‌بین
<div>گروه اقتصاد</div>

افرادی که در زمره دهک‌های کم‌درآمد قرار می‌گیرند اغلب می‌گویند: «برکت از پول رفته است». این جمله اگرچه در ظاهر یک ضرب‌المثل عامیانه و برخاسته از تجربه روزمره مردم است اما در عمق خود به یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم علم اقتصاد اشاره دارد. بسیاری از ضرب‌المث‌ها و تعبیرهای رایج در فرهنگ عمومی، ریشه‌ای عمیق در واقعیت‌های اقتصادی دارند. اقتصاد فقط مجموعه‌ای از فرمول‌ها و نظر به‌ها نیست بلکه بخشی از تجربه زیسته مردم است و گاهی ساده‌ترین جمله‌ها، پیچیده‌ترین مفاهیم اقتصادی را در خود پنهان کرده‌اند. وقتی مردم می‌گویند پول دیگر برکت ندارد، در واقع از کاهش قدرت خرید سخن می‌گویند. یعنی پولی که روزی می‌توانست، بخش مهمی از نیازهای زندگی را تأمین کند امروز توان گذشته را ندارد. در ادبیات اقتصادی، این همان کاهش ارزش پول است. پول زمانی ارزشمند است که بتواند در برابر کالاها و خدمات، قدرت مبادله خود را حفظ کند. اما وقتی تورم افزایش پیدا می‌کند، قیمت کالاها بالا می‌رود و ارزش واقعی پول کاهش می‌یابد. به بیان ساده مشکل فقط کم بودن پول نیست بلکه مسأله این است که همان مقدار پول دیگر توان خرید گذشته را ندارد. به همین دلیل، مفهوم بی‌برکتی پول را می‌توان، ترجمه اجتماعی و فرهنگی پدیده تورم دانست. مردم شاید از اصطلاحات تخصصی اقتصاد مانند کاهش ارزش واقعی پول یا افت قدرت خرید استفاده نکنند اما تجربه روزمره آنها دقیقاً همین واقعیت را بازتاب می‌دهد. زمانی که خانواده‌ای احساس می‌کند، درآمزش نسبت به گذشته پاسخگوی هزینه‌های زندگی نیست در حقیقت با آثار تورم و کاهش ارزش پول مواجه شده است. وقتی مردم می‌گویند «پول بی‌برکت شده» در واقع درباره پدیده‌ای صحبت می‌کنند که اقتصاددانان، آن را «کاهش قدرت خرید» می‌نامند. شاید در گذشته یک خانواده با حقوق ماهانه خود می‌توانست اجاره خانه بدهد، خرید ماهانه انجام دهد، پس‌انداز کند و حتی بخشی از درآمدش را صرف تفریح یا آموزش فرزندانش کند اما امروز همان درآمد دیگر چنین توانایی‌ای ندارد. در ظاهر، تعداد اسکناس‌ها بیشتر شده اما ارزش واقعی آنها کاهش یافته است. پیرش اصلی اینجاست که پول چگونه «بی‌برکت» می‌شود؟

چنانکه شرح داده شد، ریشه اصلی بی‌برکتی پول را باید در تورم جست‌وجو کرد. تورم یعنی افزایش مداوم و عمومی قیمت کالاها و خدمات. وقتی قیمت‌ها بالا می‌رود اما درآمد مردم به همان نسبت

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

فشار تحریمی

اثر تحریم و فشار اقتصادی بر سفره خانوارهای ایرانی چیست؟

نسرین خدادادی
<div>گروه اقتصاد</div>

تحریم‌ها معمولاً با این استدلال توجیه می‌شوند که جایگزینی «کم‌هزینه‌تر» برای جنگ و درگیری نظامی هستند؛ ابزاری برای فشار سیاسی بدون خونریزی مستقیم. اما پشت این روایت رسمی واقعیتی وجود دارد که کمتر درباره آن صحبت می‌شود: هزینه انسانی تحریم‌ها اغلب نه در میدان سیاست بلکه بر سر سفره خانوارها آشکار می‌شود. در ایران نیز به‌نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین آثار تحریم‌ها تغییر آرام اما عمیق الگوی تغذیه مردم بوده است؛ تغییری که بیش از همه طبقات کم‌درآمد و متوسط را تحت‌فشار قرار داده است. پژوهشی که توسط بابک رضایی دریاکناری، پیمان اسدزاده و کامرون تیز انجام شده، تلاش می‌کند این اثر پنهان را در سطح زندگی روزمره مردم بررسی کند. این پژوهش با استفاده از داده‌های «طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار ایران» که نزدیک به یک میلیون مشاهده را در بازه ۱۳۷۱ تا ۱۴۰۱ شامل می‌شود، نشان می‌دهد تحریم‌ها چگونه رژیم غذایی ایرانیان را تغییر داده‌اند. تمرکز اصلی مقاله بر دو دوره شدید تحریم، یعنی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ است؛ دوره‌هایی که اقتصاد ایران با جهش تورمی، کاهش ارزش پول ملی و افت شدید درآمد سرانه روبه‌رو

افزایش پیدا نمی‌کند، پول به‌تدریج ارزش خود را از دست می‌دهد. به بیان ساده اگر سال گذشته با ۱۰۰ هزار تومان می‌شد چند قلم کالای اساسی خرید اما امسال همان پول تنها بخشی از آن کالاها را تأمین می‌کند، یعنی ارزش واقعی پول کاهش یافته است. اما تورم از کجا می‌آید؟ یکی از مهم‌ترین دلایل آن، افزایش حجم پول در اقتصاد بدون رشد واقعی تولید است. دولت‌ها زمانی که با کسری بودجه روبه‌رو می‌شوند، گاهی ساده‌ترین راه را انتخاب می‌کنند: استقرار، چاپ پول یا استفاده بیشتر از منابع بانکی. این اقدام شاید در کوتاه‌مدت بخشی از مشکلات مالی دولت را حل کند اما در بلندمدت باعث افزایش نقدینگی و رشد تورم می‌شود. در واقع پول بیشتری وارد اقتصاد می‌شود بدون اینکه کالا و خدمات بیشتری تولید شده باشد. نتیجه این است که پول فراوان‌تر می‌شود اما ارزش آن کمتر. این وضعیت را می‌توان با یک مثال ساده توضیح داد. تصور کنید در یک روستا تنها ۱۰ قرص نان وجود دارد و مردم در مجموع ۱۰۰ هزار تومان پول دارند. حالا اگر میزان پول دوبرابر شود اما تعداد نان‌ها همچنان ۱۰ قرص باقی بماند، قیمت نان بالا می‌رود زیرا پول بیشتری برای خرید همان مقدار کالا وجود دارد. در چنین شرایطی مردم احساس می‌کنند، پول دیگر «برکت» ندارد چون با وجود افزایش ظاهری درآمد، توان خریدشان بیشتر نشده است. عامل مهم دیگر، کاهش تولید و ضعف رشد اقتصادی است. اگر اقتصادی توانند به اندازه کافی کالا، خدمات و فرصت شغلی ایجاد کند، فشار تورمی بیشتر می‌شود. در اقتصادهای ضعیف، دولت‌ها معمولاً برای جبران مشکلات معیشتی، پارانه بیشتری پرداخت می‌کنند یا نقدینگی را افزایش می‌دهند اما وقتی تولید رشد نمی‌کند این پول اضافی به‌جای ایجاد رفاه به افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود. به همین دلیل، تورم در بسیاری از کشورها فقط یک مسأله پولی نیست بلکه نشانه‌ای از ضعف ساختار اقتصادی نیز هست. بی‌ثباتی اقتصادی نیز نقش مهمی در بی‌برکت شدن پول دارد. زمانی که مردم نسبت به آینده اقتصاد مطمئن نباشند، رفتارهای اقتصادی تغییر می‌کند. افراد تلاش می‌کنند، پول خود را سریع‌تر خرج کنند یا آن را به دارایی‌هایی مانند طلا، ارز و مسکن تبدیل کنند. این رفتار باعث افزایش بیشتر قیمت‌ها می‌شود. در واقع، ترس از کاهش ارزش پول، خود به عاملی برای کاهش بیشتر ارزش پول تبدیل می‌شود.

از سوی دیگر، تورم تأثیر یکسانی بر همه اقشار جامعه ندارد. دهک‌های کم‌درآمد بیشتر از دیگران آسیب می‌بینند زیرا بخش عمده درآمد آنها صرف کالا‌های ضروری مانند خوراک، اجاره خانه و حمل‌ونقل می‌شود. وقتی قیمت این کالاها افزایش پیدا می‌کند فشار بیشتری بر خانواده‌های فقیر وارد می‌شود. به همین دلیل است اغلب کسانی که از بی‌برکتی پول صحبت می‌کنند، بیشتر

طبقات کم‌درآمد و متوسط جامعه هستند؛ کسانی که کاهش قدرت خرید را مستقیماً در زندگی روزمره خود لمس می‌کنند. نکته مهم این است که بی‌برکت شدن پول تنها یک مسأله اقتصادی نیست؛ بلکه پیامدهای اجتماعی و روانی نیز دارد. وقتی مردم احساس کنند تلاش و کار آنها دیگر نمی‌تواند کیفیت زندگی‌شان را بهبود دهد، امید اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. خانواده‌ها ناچار می‌شوند از برخی نیازهای خود صرف‌نظر کنند، پس انداز کاهش می‌یابد و نااطمینانی نسبت به آینده بیشتر می‌شود. در چنین شرایطی حتی روابط اجتماعی و سبک زندگی نیز تغییر می‌کند. اقتصاددانان می‌گویند باید توجه داشت که برکت پول فقط با افزایش عددی حقوق و درآمد بازمی‌گردد. اگر تورم کنترل نشود و ارزش پول تثبیت نشود هر میزان افزایش درآمد نیز می‌تواند در مدت کوتاهی بی‌اثر شود.

پول‌های بی‌برکت

در جهان، کشورهایی که با تورم شدید و مزمن روبه‌رو هستند معمولاً بی‌برکت‌ترین پول‌ها را نیز دارند. یعنی پولی آنها به سرعت ارزش خود را از دست می‌دهد و مردم برای خرید کالا‌های روزمره به حجم زیادی اسکناس نیاز پیدا می‌کنند. در چنین کشورهایی، مردم بیش از آنکه به نگهداری پول ملی اعتماد داشته باشند، تلاش می‌کنند دارایی‌های خود را به طلا، ارز خارجی یا کالا تبدیل کنند. ونزوئلا یکی از مشهورترین نمونه‌هاست. اقتصاد این کشور طی سال‌های گذشته با ابرتورم مواجه شد. به‌طوری که قیمت کالاها گاهی در عرض چند روز تغییر می‌کرد. ارزش پول ملی ونزوئلا آنقدر کاهش یافت که دولت چند بار صفرهای پول خود را حذف کرد. بسیاری از مردم حقوق ماهانه خود را بلافاصله خرج می‌کردند زیرا می‌دانستند چند روز بعد ارزش آن کمتر خواهد شد. نمونه دیگر زیمبابوئه است. این کشور در دهه ۲۰۰۰ یکی از شدیدترین تورم‌های تاریخ جهان را تجربه کرد. دولت برای جبران مشکلات اقتصادی، حجم عظیمی پول چاپ کرد و در نهایت اسکناس‌هایی با ارقام نجومی، حتی صد تریلیون دلار زیمبابوئه، منتشر شد. اما این پول‌ها عملاً قدرت خرید ناچیزی داشتند. آرتائین نیز سال‌هاست با تورم بالا دست‌وپنجه نرم می‌کند. مردم این کشور به‌دلیل بی‌اعتمادی به پول ملی، بخش زیادی از پس‌انداز خود را به دلار آمریکا تبدیل می‌کنند. در واقع دلار در زندگی روزمره آرتائین‌ها به پناهگاهی در برابر کاهش ارزش پول تبدیل شده است. در سال‌های اخیر، ترکیه هم با افت شدید ارزش لیر و تورم بالا روبه‌رو شد. اگرچه وضعیت این کشور با نمونه‌های ابرتورمی متفاوت است اما کاهش قدرت خرید باعث شد بسیاری از مردم احساس کنند، پولشان دیگر توان گذشته را ندارد. تجربه این کشورها نشان می‌دهد که بی‌برکت شدن پول معمولاً نتیجه ترکیبی از تورم مزمن، کسری بودجه، چاپ بی‌رویه پول، ضعف تولید و کاهش اعتماد عمومی به اقتصاد است. وقتی مردم مطمئن نباشند پول امروز فردا هم ارزش خواهد داشت، پول به‌تدریج نقش خود را به‌عنوان ابزار حفظ ارزش از دست می‌دهد. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که حفظ ارزش پول نیازمند ثبات اقتصادی، کنترل تورم، رشد تولید و اعتماد عمومی به سیاست‌های اقتصادی است. به همین دلیل وقتی مردم از بی‌برکتی پول حرف می‌زنند، در حقیقت درباره مسأله‌ای عمیق‌تر سخن می‌گویند که آن هم از بین رفتن توان پول برای حفظ امنیت و آرامش زندگی است.

پروتئین و لبنیات محدودی داشتند حالا با کاهش بیشتری در مصرف گوشت، تخم‌مرغ و لبنیات روبه‌رو شده‌اند. در مقابل، خانوارهای پردرآمد نیز کاهش مصرف را تجربه کرده‌اند اما امنیت غذایی آنها به اندازه طبقات فقیر تهدید نشده است. این یعنی تحریم‌ها شکاف تغذیه‌ای میان طبقات اجتماعی را عمیق‌تر کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین نکات این پژوهش، تفاوت اثر تحریم‌ها در مناطق شهری و روستایی است. خانوارهای شهری کاهش شدیدتری در مصرف گوشت قرمز داشته‌اند، درحالی که در برخی مناطق روستایی این کاهش کمتر بوده است. پژوهشگران معتقدند، بخشی از جمعیت روستایی به دلیل دسترسی مستقیم‌تر به دام و محصولات دامی در زمینه تأمین پروتئین مقاومت بیشتری داشته‌اند. اما در مقابل، روستاییان در مصرف لبنیات، غلات و برخی اقلام دیگر افت بیشتری را تجربه کرده‌اند. در این میان، تورم نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. کاهش ارزش پول ملی باعث شد بسیاری از خانوارها بخشی از درآمد خود را به سمت دارایی‌هایی مانند طلا و ارز منتقل کنند تا ارزش پس‌اندازشان حفظ شود. این تغییر رفتار اقتصادی، سهم کمتری از بودجه خانوار را برای خرید مواد غذایی باقی گذاشت. در واقع، خانواده‌ها میان «حفظ ارزش پول» و «حفظ کیفیت تغذیه» گرفتار شدند. شاید مهم‌ترین نتیجه این پژوهش آن باشد که اثر واقعی تحریم‌ها را نمی‌توان فقط با شاخص‌های کلان اقتصادی سنجید. تحریم‌ها تنها نرخ رشد یا صادرات نفت را تغییر نمی‌دهند؛ آنها الگوی مصرف، کیفیت تغذیه و حتی سبک زندگی مردم را نیز دگرگون می‌کنند. وقتی خانواده‌ای گوشت، لبنیات یا میوه را از سفره خود حذف می‌کند این فقط یک تغییر اقتصادی نیست؛ نشانه‌ای از کاهش امنیت غذایی و افت کیفیت زندگی است. به همین دلیل تحریم‌ها بیش از آنکه یک مفهوم ژئوپلیتیک باشند، در زندگی روزمره مردم معنا پیدا می‌کنند؛ جایی که فشار اقتصادی، آرام و تدریجی، شکل سفره‌ها را تغییر می‌دهد.



آخرین پرواز حجاج

حج امسال با کاهش سهمیه روبه‌رو بود

گروه اجتماعی: اعزام زائران ایرانی به سرزمین وحی طی روزهای اخیر به یکی از پیچیده‌ترین، بحث‌برانگیزترین و در عین حال امنیتی‌ترین پرونده‌های زیارتی کشور در دهه‌های اخیر تبدیل شده است. سفر معنوی امسال که در بستر شکننده یک «آتش‌بس موقت» میان ایران و ائتلاف آمریکا-اسرائیل و در سایه سنگین تحریم‌ها و تنش‌های نظامی منطقه کلید خورد اکنون با چالش جدی صدور روادید برای بخشی از زائران و کاهش بی‌سابقه سهمیه ایران روبه‌روست.

سایه سنگین «زائران تبعی» بر پروازهای حج

در خطمقدم این بحران، سرنوشت صدها خانواده ایرانی قرار دارد که به دلیل عدم صدور روادید از سوی دولت میزبان از خانواده‌های خود جدا ماندند. علیرضا رشیدیان، رئیس سازمان حج و زیارت، با تأیید چالش‌های عمیق اعزام در سال جاری رسماً از آغاز ریزینی‌های فشرده دیپلماتیک با طرف عربستانی برای حل مشکل «زائران تبعی» خبر داده است. رشیدیان با تأکید بر اینکه اولویت اصلی سازمان، رفع مشکل جدیایی این خانواده‌هاست از تلاش وزارت امور خارجه و

میراث فرهنگی

جنگ علیه میراث ایران

جنگ ۴۰ روزه با بناهای تاریخی ایران چه کرد؟



فازنه مومنی

گروه اجتماعی

جنگ ۴۰ روزه میان ایران، آمریکا و اسرائیل فقط زیرساخت‌های نظامی و شهری را هدف نگرفت؛ بخش مهمی از آسیب‌ها متوجه حافظه تاریخی و هویت فرهنگی ایران شد. اکنون با گذشت چند هفته از آتش‌بس، ابعاد تازه‌ای از خسارت به بناها، موزه‌ها و محوطه‌های تاریخی آشکار شده؛ خسارت‌هایی که به گفته مقام‌های رسمی و کارشناسان، بخشی از آنها حتی با مرمت نیز هرگز به وضعیت اولیه بازمی‌گردد.

برآوردهای اولیه از آسیب به حدود ۱۶۰ اثر تاریخی و فرهنگی در ۲۰ استان حکایت دارد؛ آماري که به‌معنای آسیب دیدن میانگین روزانه چهار اثر تاریخی در طول جنگ است. در میان استان‌ها، تهران، اصفهان و کردستان بیشترین خسارت را متحمل شده‌اند و تخمین اولیه هزینه بازسازی و مرمت نیز حدود ۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان اعلام شده است.

نخستین تصاویر منتشر شده از روزهای آغاز جنگ، کاخ گلستان را نشان می‌داد؛ مجموعه‌ای ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی یونسکو که بخشی از شیشه‌ها و تزیینات آن بر اثر موج انفجار آسیب دید. پس از آن فهرست بلندبالایی از بناهای تاریخی آسیب‌دیده منتشر شد؛ از مجموعه سعدآباد و کاخ مرمر در تهران گرفته تا میدان نقش جهان، عالی‌قاپو، مسجد شیخ لطف‌الله و چهل‌ستون در اصفهان.

در تهران، برخی بناهای تاریخی مجاور مراکز حساس و نظامی بیش از دیگر نقاط در معرض آسیب قرار گرفتند. عمارت عشرت‌آباد، زندان قصر، ساختمان قدیمی انستیتو پاستور و حتی برخی موزه‌های پایتخت از موج انفجارها بی‌نیصیب نماندند. در اصفهان نیز لرزش ناشی از انفجارها به بناهایی آسیب زد که بخشی از مهم‌ترین نمادهای معماری ایران محسوب می‌شوند.

اما نگرانی‌ها فقط به تخریب فیزیکی محدود نیست. بسیاری از پژوهشگران هشدار می‌دهند که آثار تاریخی در ایران تنها «بنا» نیستند؛ بلکه بخشی از حافظه تمدنی و شناسنامه فرهنگی کشورند. تورج دریایی، ایران‌شناس و مدیر مرکز مطالعات ایرانی دانشگاه کالیفرنیا از جمله چهره‌هایی است که در بیانیه اعتراضی صدها پژوهشگر بین‌المللی علیه حمله به میراث فرهنگی ایران مشارکت داشته است. او تأکید می‌کند، میراث فرهنگی نباید به «زمین بازی سیاسی» تبدیل شود زیرا این آثار «متعلق به همه مردم ایران و بخشی از میراث بشری» هستند. همزمان بیش از ۳۲۰ پژوهشگر و متخصص حوزه میراث فرهنگی از سراسر جهان با انتشار بیانیه‌ای حملات صورت گرفته را محکوم کرده و از نهادهای بین‌المللی مانند



رمضان و فشرده‌های ناشی از تحریم‌ها پرده برداشته است. در لایه‌های تحلیلی کارشناسان اما گمانه‌زنی‌های اقتصادی پررنگ‌تر است؛ گفته می‌شود که کور کور تحریم‌ها، مانع از انتقال روان مبالغ ارزی کلفت به حساب‌های سعودی شده و احتمالاً طرف میزبان، طلب‌های قبلی خود بابت عمره را با سهمیه حج تمتع امسال تهاتر کرده است. ناظران معتقدند، لغو کامل حج به دلیل بن‌بست‌های پیش‌قراردادهای و مبالغ کلانی که پیش‌تر بابت هتل‌های مکه و مدینه و آمسپ‌خانه‌های مرکزی پرداخت شده بود عملاً سوخت شدن منابع ارزی کشور را در پی داشت و سازمان را ناچار به پذیرش سهمیه محدود کرد.

تفکیک میدان از میقات

تصمیم به اعزام حجاج در این اتمسفر جنگی، درون حاکمیت

نیز بدون چالش نبوده است. وحید احمدی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، فاش کرده که این کمیسیون صراحتاً به دلیل مخاطرات امنیتی با اعزام‌ها مخالفت کرده و نظر منفی خود را به شورای عالی امنیت ملی فرستاده بود. حتی در فضای رسانه‌ای، برخی فعالان رسانه‌ای مثل صادق الحسینی، مدیر مسئول سایت خبری اقتصادآنلاین این اقدام را «ارسال رسمی گروگان» به خاک کشوری قلمداد کردند که پایگاه‌های نظامی آمریکا را در خود جای داده است. با این حال، شورای عالی امنیت ملی بر اساس داده‌های امنیتی خود، چراغ سبز نهایی را صادر کرد. با این حال مهدی فرماتیان، رئیس دانشکده مذاهب اسلامی، استدلال می‌کند که عربستان نباید و نمی‌تواند، اختلافات سیاسی را به حج سرایت دهد. او با اشاره به قواعد مشترک فقهی و تعهدات بین‌المللی ریاض در سازمان همکاری اسلامی تأکید دارد که حتی در اوج بحران‌ها (نظیر جنگ یمن از سال ۲۰۱۱) عربستان امنیت حجاج را تأمین کرده است. نکته جالب کارنامه حج امسال تغییر موازنه مذهبی اعزام‌هاست؛ از ۳۰ هزار حاجی امسال بیش از ۷ هزار نفر از اهل سنت ایران هستند. درحالی که برخی شیعیان تحت‌تأثیر فضای جنگی انصراف دادند، اهل سنت نه‌تنها عقب‌نشستند بلکه ظرفیت‌های خالی را پر کردند.

فرود نهایی پروازهای رفت

دیروز با اتمام عملیات ۲۲ روزه پروازی، آخرین پرواز رفت نیز بر زمین نشست و در مجموع ۳۰ هزار و ۶۷۲ زائر با پروازهای شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی به فرودگاه مدینه منتقل شدند. میانگین تأخیرها کمتر از ۳۰ دقیقه ثبت شد و طبق برنامه، موج بازگشت حجاج از ۱۱ تا ۲۲ خردادماه از فرودگاه جده آغاز می‌شود.

روزشمار قطعی اینترنت



روز گذشت

هشتادویک روز از محدودیت گسترده اینترنت بین‌الملل در ایران می‌گذرد؛ در این میان، تازه‌ترین اظهارنظرهای مقام‌های دولتی از یک‌سوی بر ضرورت دسترسی آزاد مردم به اینترنت تأکید دارد و از سوی دیگر نشان می‌دهد تصمیم‌گیری درباره رفع محدودیت‌ها همچنان درگیر ملاحظات امنیتی و اختلاف‌نظرهای سیاست‌گذارانه است. سیدستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، روز گذشته در مراسم روز جهانی ارتباطات، صریح‌ترین موضع ماه‌های اخیر دولت را درباره اینترنت مطرح کرد؛ او تأکید کرد «دسترس مردم به شبکه جهانی یک نیاز واقعی است، نه یک امتیاز». هاشمی بار دیگر برخی برداشت‌ها درباره شبکه ملی اطلاعات گفت، این شبکه «در امتداد اینترنت جهانی» تعریف شده و قرار نیست، جایگزین ارتباطات بین‌المللی شود. او همچنین هشدار داد، محدود کردن اینترنت به «دو پیام‌رسان یا چند شبکه اجتماعی» نگاهی تقلیل‌گرایانه به مفهوم اینترنت است و کشور نمی‌تواند خود را از «کنجینه دانش و فناوری جهان» محروم کند. وزیر ارتباطات در عین حال از آسیب دیدن بیش از ۵۰۰ سایت ارتباطی در دوران جنگ سخن گفت و مدعی شد، پایداري شبکه ارتباطی کشور حاصل تاب‌آوری زیرساخت‌ها و همکاری بخش خصوصی بوده است. او البته تأکید کرد که ادامه محدودیت‌ها می‌تواند حتی برای شبکه ملی اطلاعات نیز مخاطره‌آمیز باشد.

همزمان الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت نیز اعلام کرده که سیاست دولت «بازگشت اینترنت بین‌الملل» است و «هیچ عقب‌نشینی» در این مسیر وجود ندارد. او فیلترینگ گسترده را ناکارآمد توصیف کرد و گفت این سیاست نه‌تنها امنیت سایبری ایجاد نکرده بلکه موجب گسترش استفاده از فیلترشکن‌ها و افزایش آسیب‌پذیری شبکه شده است. به گفته حضرتی، قطعی طولانی اینترنت فشار اقتصادی و فرسایش روانی قابل‌توجهی بر جامعه و کسب‌وکارهای دیجیتال وارد کرده است.

در این میان، بحث «اینترنت طبقاتی» یا «اینترنت پرو» نیز همچنان محل مناقشه است. هرچند وزارت ارتباطات اعلام کرده این طرح صرفاً برای شرایط بحران طراحی شده و تبلیغ آن از سوی اپراتورها ممنوع شده است اما منتقدان معتقدند، تداوم دسترسی نابرابر به اینترنت، شکاف دیجیتال و تبعیض ارتباطی را تشدید می‌کند.

الزام‌آور است و کنوانسیون لاهه درباره حمایت از اموال فرهنگی در زمان جنگ به همراه پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، صراحتاً تعرض به اموال فرهنگی، آثار تاریخی و ملزومات زیست انسانی را ممنوع و در مواردی مصداق نقض جدی حقوق بین‌الملل تلقی می‌کند».

عبور از خط قرمز حقوق بشردوستانه

نقره‌کار با بیان اینکه بسیاری از بناهای تاریخی و فرهنگی در جهان با علامت‌ها و نشانه‌های شناخته‌شده بین‌المللی، از جمله «نشان آبی» مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی، مشخص می‌شوند تا در جریان درگیری‌های نظامی از تعرض مصون بمانند، تأکید می‌کند؛ با این حال آنچه در این جنگ رخ داد صرفاً یک آسیب جانبی یا اتفاقی نبود بلکه در مواردی با عبور آشکار از خطوط قرمز حقوق بشردوستانه، خساراتی به حوزه‌های فرهنگی، زیست‌محیطی و تمدنی وارد شد؛ خساراتی که می‌تواند آثار برگشت‌ناپذیر بر حافظه تاریخی و هویت فرهنگی ایران بر جای بگذارد».

او اضافه می‌کند: به‌نظر می‌رسد اکنون یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها، مستندسازی دقیق، حرفه‌ای و حقوقی این خسارات است. سازمان میراث فرهنگی، فعالان حوزه گردشگری، پاسداران میراث معنوی و فرهنگی ایران و تمامی نهادهای مدنی مرتبط باید با حساسیت و فوریت وارد فرآیند ثبت و گردآوری مستندات شوند. همچنین حقوقدانان بین‌المللی مسلط به سازوکارهای یونسکو، دیوان کیفری بین‌المللی، دادگاه لاهه و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌توانند در تدوین پرونده‌های حقوقی و تنظیم مستندات محکمه‌پسند نقش کلیدی ایفا کنند.

نقره‌کار ادامه می‌دهد: «نهادهای یونسکو در ایران نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از کنشگران مهم این حوزه در کنار کانون‌های وکلا، انجمن‌های تخصصی و سازمان‌های مردم‌مربط با میراث فرهنگی و حقوق بین‌الملل در فرآیند دادخواهی و پیگیری حقوقی فعال شود. هدف از این اقدامات صرفاً طرح شکایت سیاسی نیست بلکه دفاع از میراث تمدنی ایران و مطالبه جبران خسارت برای مرمت، احیا و حفاظت از این آثار بی‌بدیل فرهنگی است».

به گفته او «جهان باید نسبت به این واقعیت آگاه شود که تعرض به میراث فرهنگی ایران، تعرض به بخشی از حافظه تاریخی و تمدنی بشریت است. کسانی که در پی حذف یا تضعیف هویت تاریخی و فرهنگی ملت ایران هستند باید بدانند که جرایم علیه حقوق فرهنگی میراث تمدنی، بدون پیگیری و دادخواهی نخواهد ماند. از همین رو انتظار می‌رود همه نهادهای ملی، مدنی و تخصصی مرتبط با حوزه میراث فرهنگی یا همکاری حقوقدانان و نهادهای بین‌المللی، مستندات این خسارات را گردآوری و ارائه کنند تا امکان پیگیری حقوقی و بین‌المللی آن فراهم شود».

یونسکو، ایکوموس و شبکه «سپرای» خواسته‌اند، موضع فعال‌تری در قبال حفاظت از میراث فرهنگی ایران اتخاذ کنند. پایه حقوقی این اعتراض‌ها به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه بازمی‌گردد؛ معاهده‌ای که پس از جنگ جهانی دوم برای حفاظت از اموال فرهنگی در زمان جنگ تدوین شد. این کنوانسیون تأکید می‌کند که تخریب عمدی میراث فرهنگی می‌تواند، مصداق جنایت جنگی باشد و دولت‌ها موظفند حتی در زمان مخاصمه از آثار تاریخی حفاظت کنند. در همین چارچوب، استفاده نظامی از محوطه‌های تاریخی نیز اقدامی برخاطر تلقی می‌شود زیرا می‌تواند آنها را به اهداف مشروع حمله تبدیل کند.

تعرض به حافظه تاریخی و هویت تمدنی

در این باره با صالح نقره‌کار، حقوقدان گفت‌وگو کردیم. او به سازندگی می‌گوید که «دادخواهی خانه‌های فرهنگی و گردشگری در قلمرو جنگی، امروز صرفاً یک مطالبه صنفی یا میراثی نیست بلکه بخشی از دفاع حقوقی و تمدنی از ایران به‌شمار می‌رود». او توضیح می‌دهد: «ایران کهن با میراث فرهنگی فاخر و تمدن دیرپای خود، در جریان این جنگ جنایتکارانه در معرض تعرض مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفت و بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد حدود ۱۵۰ اثر و مجموعه میراث فرهنگی و گردشگری آسیب دیده‌اند؛ آثاری که برخی از آنها، نظیر مجموعه‌های تاریخی سعدآباد، کاخ گلستان و ده‌ها بنای واجد ارزش تاریخی و فرهنگی با خسارات قابل‌توجه مواجه شده‌اند. این مسأله تنها تخریب چند ساختمان یا آسیب به ابنیه تاریخی نیست بلکه تعرض به حافظه تاریخی و هویت تمدنی یک ملت محسوب می‌شود».

به گفته این حقوقدان: «در این زمینه باید توجه داشت که بناهای تاریخی و فرهنگی ارزشمند صرفاً دارایی‌های ملی یک کشور نیستند بلکه بخشی از میراث مشترک بشریت به‌شمار می‌روند و به همین دلیل تحت حمایت نهادهای بین‌المللی محافظ میراث فرهنگی، به‌ویژه یونسکو، قرار دارند. حفاظت از میراث فرهنگی در دوره مخاصمات مسلحانه، مطابق هنجارهای بین‌المللی، یک تکلیف



سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقلتیعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقلتیعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • حروف‌چین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۲۳۷۴۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گزارش ویژه

قهرمانان گمنام خدمت‌رسانی به مردم

ساری - دهقان: نماینده مردم شریف شهرستان‌های ساری و میاندو رود در مجلس شورای اسلامی، در بازدیدی سرزده از شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه ساری، از تلاش کارکنان این شرکت در دوران جنگ رمضان و استمرار خدمت‌رسانی بدون وقفه به مردم و مسافران این استان قدردانی کرد.

به گزارش خبرنگار میاندو رود به نقل روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه ساری، در ابتدای این دیدار، زمانی با اشاره به مدیریت مناسب شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه ساری در شرایط اخیر و از خودگذشتگی کارکنان این شرکت در دوره موسوم به جنگ رمضان، از همکاری و تلاش کارکنان منطقه ساری تشکر کرد. وی نقش این نیروها را در تأمین نیازهای مردم و مسافران و تداوم خدمات، «اثرگذار و ارزشمند» توصیف کرد. توجیهی، مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه ساری نیز در این نشست گزارشی از اقدامات انجام‌شده ارائه داد و گفت: با وجود بیش از ۱۷ میلیون مسافر از زمان آغاز جنگ تحمیلی سوم تا کنون در استان همچنین خسارت‌ها و چالش‌های اخیر، روند توزیع سوخت با برنامه‌ریزی منظم و بدون توقف ادامه یافت و تأکید کرد که پایداری شبکه تأمین و توزیع سوخت در اولویت فعالیت‌های این منطقه قرار دارد.

نماینده مردم ساری و میاندو رود در ادامه با اشاره به بازدیدهای میدانی و ارتباط نزدیک با کشاورزان، افزود: کشاورزی بخش اصلی معیشت مردم منطقه را تشکیل می‌دهد و از این رو، پیگیری تخصیص سهمیه اختصاصی سوخت برای شهرستان‌های ساری و میاندو رود در دستور کار قرار گرفته و این موضوع با همکاری وزارت نفت و شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی به نتیجه رسیده است. عالیه زمانی در پایان با قدردانی مجدد از تلاش‌ها و مجاهدت‌های شبانه‌روزی مدیریت و کارکنان این شرکت اظهار کرد: کارکنان شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی، قهرمانان گمنام خدمت‌رسانی به مردم هستند.

تغییر راهبردی

نقش اندیشکده‌ها در تبدیل تحلیل به دکترین سیاست خارجی



مهدی علی‌آبادی

فعال سیاسی

جنگ اخیر میان ایران و محور آمریکا-اسرائیل در سطح رسانه‌های به‌عنوان یک رویارویی امنیتی محدود روایت شد؛ اما در لایه‌های عمیق‌تر سیاست‌گذاری و واشنگتن، این رخداد معنای متفاوتی دارد: نشان‌های از بازآرایی در معماری ژئوپلیتیکی خاورمیانه. در نگاه بخشی از اندیشکده‌های آمریکایی مانند «مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» و «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» این جنگ نه یک بحران مقطعی بلکه بخشی از روندی بلندمدت برای بازتعریف توازن قدرت منطقه‌ای است؛ روندی که پس از عراق و افغانستان، از «جنگ‌های اشغال‌محور» به سمت «مهار و فرسایش بلندمدت» حرکت کرده است.

از تغییر رژیم تا مهار فرسایشی

در ادبیات سیاست خارجی آمریکا درباره ایران یک تغییر مهم رخ داده است: گذار از «تغییر رژیم» به «فرسایش راهبردی». تجربه عراق و افغانستان نشان داد که فروپاشی سیاسی الزاماً به‌نظم جدید منجر نمی‌شود؛ بنابراین هدف جدید، کاهش تدریجی ظرفیت حکمرانی و اثرگذاری منطقه‌ای است. در این چارچوب، ابزارها نیز تغییر کرده‌اند: تحریم‌های ساختاری، فشار مالی، عملیات اطلاعاتی، محدودسازی فناوری و

بازدارندگی نظامی کنترل‌شده، یک «فشار چندلایه» را شکل می‌دهند.

ایران؛ از دولت-ملت تا گره ژئوپلیتیکی

در این نگاه، ایران صرفاً یک کشور نیست بلکه یک «گره اتصال ژئوپلیتیکی» است؛ نقطه‌ای میان خلیج فارس، قفقاز-روسیه و آسیای مرکزی-چین. مسأله اصلی دیگر هسته‌های یا امنیتی نیست بلکه توان ایران برای تبدیل شدن به حلقه اتصال در شبکه‌های اوراسیایی است. همین موقعیت باعث می‌شود، ایران در مرکز رقابت بر سر نظم آینده قرار گیرد؛ نظمی که در آن اتصال، مهم‌تر از اشغال سرزمین است.

شبکه‌های فکری و سیاست‌گذاری در واشنگتن

اندیشکده‌هایی مانند «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» و «مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» نقش واسط میان تحلیل و سیاست را دارند. آنها صرفاً تولیدکننده نظر نیستند بلکه منطق ژئوپلیتیکی را به زبان اجرایی برای نهادهایی مانند وزارت خزانه‌داری، کنگره و پنتاگون تبدیل می‌کنند. در تحلیل‌های اخیر این شبکه‌ها، مفهوم «فرسایش راهبردی» جایگزین تغییر رژیم شده است؛ یعنی هدف، نه سقوط سیاسی بلکه کاهش تدریجی توان بازتولید قدرت است.

بازطراحی امنیت منطقه‌ای و نقش اسرائیل

در کنار این روند، پروژه دیگری نیز در حال شکل‌گیری است:

بازآرایی امنیتی خاورمیانه. پس از توافقات ابراهیم، تلاش برای ایجاد شبکه‌ای میان اسرائیل و کشورهای عربی خلیج فارس سرعت گرفته است. در برخی تحلیل‌ها از این چارچوب با عنوان‌هایی مانند «سپهر ابراهیمی» یاد می‌شود؛ شبکه‌ای که شامل ادغام سامانه‌های دفاع هوایی، تبادل اطلاعات و همکاری امنیتی است. در این معماری، اسرائیل نقش هاب امنیتی منطقه را می‌گیرد و ایران بیرون از شبکه تعریف می‌شود.

رقابت بر سر مسیرها؛ ژئوپلیتیک جدید قدرت

لایه عمیق‌تر این رقابت، اقتصادی-ژئوپلیتیکی است: رقابت بر سر مسیرهای اتصال جهانی. در نظم جدید، قدرت به کنترل مسیرهای انرژی، داده و ترانزیت وابسته است. ایران در اینجا نقش دوگانه دارد: هم مسیر بالقوه اتصال است و هم مانع برخی مسیرهای جایگزین. ادغام ایران در شبکه‌های اوراسیایی می‌تواند، اثر تحریم‌ها را کاهش دهد و جایگاه ژئوپلیتیکی آن را تقویت کند.

جنگ اخیر در منطق بزرگ‌تر

از این زاویه، جنگ اخیر صرفاً یک درگیری نظامی نیست بلکه بخشی از رقابت گسترده‌تر بر سر معماری نظم آینده خاورمیانه است؛ نظمی که در آن امنیت، اقتصاد و مسیرهای اتصال هم‌زمان بازتعریف می‌شوند. در این رقابت، سه سطح به‌طور هم‌زمان در حال تغییر است: شبکه‌های امنیتی منطقه‌ای، کریدورهای اقتصادی و چارچوب‌های فکری که این تحولات را توضیح می‌دهند.

جمع‌بندی

در واشنگتن، ایران دیگر فقط یک پرونده سیاست خارجی نیست؛ بلکه یک مسأله ساختاری در طراحی نظم آینده است. جنگ اخیر، نه آغاز این روند بلکه یکی از نقاط آشکار شدن آن است: رقابت بر سر اینکه خاورمیانه چگونه و بر اساس چه منطق قدرتی بازآرایی شود.

شناسه آگهی ۲۱۷۹۴۱۹ نوبت دوم

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی ساده (شماره: ۸۷۱۵۰۰۴۰)

- ۱- کد فراخوان در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات: ۱۰۵۳۷۱۰۱۱
- ۲- شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: ۲۰۰۵۰۹۱۵۹۲۰۰۰۰۰۶
- ۳- موضوع: تجدید مناقصه خرید بیرینگهای توربین D-336-2 با ارزیابی ساده تقاضای شماره ۴۵۷۲۸۰۴۱۳۰ به مدت ۹ ماه تقویمی
- ۴- نام و نشانی مناقصه‌گزار: شرکت انتقال گاز ایران (منطقه ۸ عملیات انتقال گاز)/ تبریز، کیلومتر ۱۵ جاده آذرشهر
- ۵- میزان و نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال مطابق بند الف ماده ۵ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی (تصویب نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت/۵۰۶۵۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹

شرکت انتقال گاز ایران
منطقه ۸ عملیات انتقال گاز

تاریخ ۰۹/۲۲/۱۳۹۴) در وجه شرکت انتقال گاز ایران، منطقه ۸ عملیات انتقال گاز
۶- آخرین مهلت دانلود (دریافت) اسناد مناقصه و فرمها: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۴ ساعت ۱۰:۰۰
۷- آخرین مهلت بارگذاری (عودت) اسناد مناقصه و فرمها: روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۶ ساعت ۱۱:۰۰
۸- زمان گشایش پاکت: روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۷ ساعت ۱۰:۰۰ اتاق کمیسیون مناقصات.
۹- پیش پرداخت: ۲۰ درصد قیمت پیشنهادی جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی www.nigcdist8.ir مراجعه فرمایید.

رابط عمومی منطقه ۸ عملیات انتقال گاز ایران

آگهی تجدید مناقصه عمومی

نوبت اول

تأمین و اجاره ۱۵ (پانزده) دستگاه خودروی سواری با سیستم : پژو پارس / سمند، با سال ساخت ۱۴۰۰ و به بالا به همراه راننده و یک (۱) دستگاه وانت بار مدل ۱۳۹۵ و به بالا به همراه راننده جهت استفاده در امور خودرویی سازمان منطقه آزاد ارس

سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir

شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۹۱۷۵۰۰۰۰۰۳۰

اطلاعات بیشتر : www.araszfz.ir

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۲۰۱۸۳۲۴-۱۴۰۴۰۳۰۶-۱۲۰۱۸۳۲۹ و ۱۴۰۴۰۳۰۶-۱۲۰۱۸۳۲۷ و ۱۴۰۴۰۳۰۶-۱۲۰۱۸۳۱۹-۱۲۰۱۸۳۱۹ هیات اول کلاس ۱۶۲۱ و ۱۶۲۲ و ۱۶۲۳ و ۱۶۲۴ - ۱۶۲۵ - ۱۴۰۴-۱۲۰۱۸۳۱۹ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن سابقی به شناسنامه شماره ۱۲۹۰۴ کدملی ۰۹۰۰۱۳۸۱۲۲ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل و آقای علی سابقی به شناسنامه شماره ۱۶۳۷۱۱۶ کدملی ۰۸۹۰۰۳۷۱۱۶ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل و آقای جواد سابقی به شناسنامه شماره ۲۳۸۸۱۰۲۰۲۸۸۱ کدملی ۰۸۹۰۲۰۳۸۸۱ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل و آقای حسن سابقی به شناسنامه شماره ۱۸۶۹۴ کدملی ۰۹۰۰۱۸۴۴۳۴ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل هر کدام در یک و نیم دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه باغ محصور به مساحت ۲۶۶۹/۸۷ مترمربع پلاک ثبتی ۱۶۵۵۹ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی آقای حسن سابقی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف/۱۲۷۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ احمد جهانگیر-رئیس ثبت‌اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۲۰۱۸۳۲۴-۱۴۰۴۰۳۰۶-۱۲۰۱۸۳۲۳ و ۱۴۰۴۰۳۰۶-۱۲۰۱۸۳۲۲ و ۱۴۰۴۰۳۰۶-۱۲۰۱۸۳۲۱-۱۲۰۱۸۳۲۱ هیات اول کلاس ۱۶۱۴ و ۱۶۱۵ و ۱۶۱۶-۱۶۱۷-۱۴۰۴۰۳۰۶-۱۲۰۱۸۳۲۷ و ۱۴۰۴۰۳۰۶-۱۲۰۱۸۳۲۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن سابقی به شناسنامه شماره ۱۸۶۹۴ کدملی ۰۹۰۰۱۸۴۴۳۴ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل و آقای جواد سابقی به شناسنامه شماره ۲۳۸۸۱۰۲۰۳۸۸۱ کدملی ۰۸۹۰۲۰۳۸۸۱ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل و آقای علی سابقی به شناسنامه شماره ۱۶۳۷۱۱۶ کدملی ۰۸۹۰۰۳۷۱۱۶ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل هر کدام در یک و نیم دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۲۷۱/۵۲ مترمربع پلاک ثبتی ۱۶۵۵۹ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی آقای حسن سابقی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف/۱۲۷۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ احمد جهانگیر-رئیس ثبت‌اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۲۰۱۸۳۱۴-۱۴۰۴۰۳۰۶-۱۲۰۱۸۳۱۶ و ۱۴۰۴۰۳۰۶-۱۲۰۱۸۳۱۵-۱۲۰۱۸۳۱۴ هیات اول کلاس ۱۶۲۷ و ۱۶۲۸ و ۱۶۲۹ - ۱۶۳۰ - ۱۴۰۴-۱۲۰۱۸۳۱۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی سابقی به شناسنامه شماره ۱۳۹۰۴ کدملی ۰۹۰۰۱۳۸۱۲۲ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل و آقای حسن سابقی به شناسنامه شماره ۱۲۹۰۴ کدملی ۰۹۰۰۱۳۸۱۲۲ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل و آقای جواد سابقی به شناسنامه شماره ۲۳۸۸۱۰۲۰۳۸۸۱ کدملی ۰۸۹۰۲۰۳۸۸۱ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل و آقای حسن سابقی به شناسنامه شماره ۱۸۶۹۴ کدملی ۰۹۰۰۱۸۴۴۳۴ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل هر کدام در یک و نیم دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۸۰۷ مترمربع پلاک ثبتی ۱۶۵۵۹ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی آقای حسن سابقی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف/۱۲۷۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ احمد جهانگیر-رئیس ثبت‌اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۲۰۱۸۳۴۵-۱۴۰۴۰۳۰۶-۱۲۰۱۸۳۴۱ و ۱۴۰۴۰۳۰۶-۱۲۰۱۸۳۴۰-۱۲۰۱۸۳۳۹ هیات اول کلاس ۱۶۱۶ و ۱۶۳۶ و ۱۶۳۷ و ۱۶۳۸ - ۱۶۳۹ - ۱۴۰۴-۱۲۰۱۸۳۴۹ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن سابقی به شناسنامه شماره ۱۳۹۰۴ کدملی ۰۹۰۰۱۳۸۱۲۲ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل و آقای جواد سابقی به شناسنامه شماره ۲۳۸۸۱۰۲۰۳۸۸۱ کدملی ۰۸۹۰۲۰۳۸۸۱ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل و آقای حسن سابقی به شناسنامه شماره ۱۸۶۹۴ کدملی ۰۹۰۰۱۸۴۴۳۴ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل و آقای علی سابقی به شناسنامه شماره ۱۶۳۷۱۱۶ کدملی ۰۸۹۰۰۳۷۱۱۶ - صادره کاشمر فرزند اسماعیل هر کدام در یک و نیم دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه باغ محصور به مساحت ۷۵۲۷۷ مترمربع پلاک ثبتی ۱۶۵۵۹ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی آقای حسن سابقی و جلال بیابانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف/۱۲۷۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ احمد جهانگیر-رئیس ثبت‌اسناد و املاک کاشمر

آگهی تجدید حدود اختصاصی

تجدید حدود شش‌دانگ سه قطعه باغ و زمین زراعی پلاک های ۹۳۳ و ۹۳۵ و ۹۲۷ فرعی از ۴۱- اصلی بخش ۱۰ منطقه ۲ سنندج که در تصرف آقای یالدله کریمی نژاد قرار دارد بموجب آرای شماره ۰۲۹۰۵-۱۸۰۳۳۲۱۱۸۰۳۳۶-۱۴۰۳۶ و ۲۸۸۵ و ۳۰۹۳ مورخ ۱۴۰۳/۷/۱۴ و ۱۴۰۳/۷/۲۸ و ۱۴۰۳/۷/۱۵ هیات اول/ دوم محترم حل اختلاف مستقر در ثبت شهرستان سنندج مستند به مواد ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت در مورخ ۱۴۰۵/۳/۲۵ راس ساعت ۹ صبح بعمل خواهد آمد لذا بدین وسیله از مجاورین و صاحبان حقوق دعوت می‌شود که در ساعت تعیین شده فوق در محل حاضر و در صورتیکه اعتراض به حدود و یا حقوق ارتفاقی داشته باشند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تجدید حدود لغایت سی روز اعتراض خود را کتبا و مستقیماً باین اداره تسلیم نمایند ضمناً متذکر می‌گردد که مطابق ماده ۸۶ آیین‌نامه اصلاحی قانون ثبت معترض طرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض باین اداره می‌بایست با مراجعه به مرجع ذیصلاح قضایی نسبت به تقدیم دادخواست اقدام و گواهی را باین اداره تقدیم نماید در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست دریافت و به این اداره تسلیم نماید اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۲/۲۹ چاپ در روزنامه : سازندگی م الف ۱۱۱۲

اقدام کننده: صلاح الدین شاهرودی
هیوا احمدیان - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ سنندج